

## تحلیلی بر فرایند تولید فضای شهری در ایران (مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران)

ایوب منوچهری میان‌دوآب\* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۲۳

تأیید مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

### چکیده

بین شهرنشینی و تولید فضا رابطه دیالکتیکی و چندمقیاس وجود دارد. از یک سو شهرنشینی سریع نه فقط فضای فیزیکی از جمله محیط ساخته شده کاربری اراضی و چشم‌اندازها را تغییر می‌دهد، بلکه فضای تخیلی و ذهنی و فضای تولیدشده کل فرایند شهرنشینی را نیز تغییر می‌دهد. هدف این مطالعه تحلیل فرایند تولید فضای شهری در دوره ایران مدرن است. شهر تهران به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. به منظور رسیدن به هدف پژوهش، مهم‌ترین اقدامات شهرسازی، نیروهای تأثیرگذار، اهداف و نتایج اقدامات صورت گرفته در شهر تهران تجزیه و تحلیل شده است. روش تحقیق توصیفی - پس‌رویدادی بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد اهداف تغییر و تولید فضای جدید شهری متفاوت بوده و در سه دوره مهم اتفاق افتاده است. در دوره اول مهم‌ترین هدف از تغییر فضای شهری، کنترل فضا و در نهایت بسط سرمایه‌داری بوده است. دولت به شکل هوسمانیسم به دنبال تغییر فیزیکی و ذهنی فضا بوده است. در دوره دوم مهم‌ترین هدف در تولید فضای شهری، انباشت سرمایه بوده است که دولت و ارکان دیگر یعنی سرمایه و حکومت محلی، با کاهش موانع فضایی بسترهای لازم را برای انباشت سرمایه در شهر تهران فراهم آورده‌اند. دولت با تزریق پول‌های نفتی، با سرمایه‌گذاری در بخش صنعت مونتاژ و تا حدودی در زمین و مسکن و شهرداری نیز با تخریب فضاهای قدیمی و ایجاد خیابان‌ها، بزرگراه‌ها و اتوبان‌ها در تلاش برای رسیدن به این هدف بودند. در دوره سوم دولت با هدف کاهش هزینه‌ها، از تأمین بودجه شهرداری عقب‌نشینی و قانون خودکفایی شهرداری را تصویب کرد که شهر را در اختیار بورژوازی مستغلات و شهرداری گذاشت. توافق بین بورژوازی مستغلات و شهرداری سبب شد فضا برای مبادله و کسب سود ایجاد شود و شهرداری به صورت مستقیم و غیرمستقیم اقدام به حذف موانع فضایی برای انباشت بیشتر سرمایه و افزایش ارزش افزوده کند. در نهایت نیز بورژوازی مستغلات شهر تهران را به یک کالای ارزشمند حجیم تبدیل کرده است.

واژه‌های کلیدی: تهران، تولید فضا، سرمایه‌داری، فرایند.

## مقدمه

از دیدگاه اندیشمندان حوزه شهر، شهرنشینی و شهرسازی، مانند لفور<sup>۱</sup> و مامفورد<sup>۲</sup>، شهر به‌عنوان فضای ممزوج با اقتصاد و سیاست شکل گرفته است و عوامل انسانی در حال تغییر آن هستند. اقتصاد شهری در تولید و بازتولید فضاهای شهری به‌طور مداوم در حال بازآفرینی و خلق فضاهای جدید شهری است و این فضا مانند ظرفی است که هیچ‌گاه پر نمی‌شود و پیوسته در حال تغییر است (فنی و محمودی، ۱۳۹۷: ۳۷). جغرافی‌دانان و نظریه‌پردازانی مانند لوفور، فوکو<sup>۳</sup> و سوجا<sup>۴</sup> همگی استدلال می‌کنند که مفهوم فضا کیفیت اساسی هستی علوم انسانی و اجتماعی تشکیل می‌دهد و تقلیل‌ناپذیر است. سوجا در این زمینه بسیار خاص است و بیان می‌کند که موجودیت اجتماعی به‌وسیله سه‌گانه هستی شناختی فضا، زمان و جامعه تولید می‌شود. این ادعا ممکن است در نگاه اول چندان جسورانه و مهم به نظر نرسد، اما باید در نظر گرفته شود که چگونه زمان و جامعه، چه به‌طور جداگانه و چه به‌طور جداگانه و وابسته، در علوم اجتماعی توسعه یافته‌اند (Rick, 1997: 5)؛ بنابراین، فضاهای اجتماعی تولیدشده، به‌طور فضایی و راکد نیستند، بلکه ترکیب‌کننده روابط اجتماعی هستند. در واقع، روابط و فرایندهای فضایی روابط اجتماعی هستند که در شکل جغرافیایی نمود پیدا می‌کنند (Skordoulis, 2008: 107). تولید فضای شهری به شکل دولتی، در ایران اواخر قاجار، به‌ویژه با ظهور دولت مدرن آغاز می‌شود که نتیجه انقلاب مشروطیت بود (منوچهری و رهنمایی، ۱۳۹۸). بعد از این اتفاق، دولت و هرکدام از نهادهای متشکله‌اش خواستار فضا هستند، اما فضایی که آن‌ها بتوانند بر طبق نیازمندی‌های خاصشان آن را سازمان‌دهی کنند (لوفور، ۱۹۷۷: ۸۵). دولت مدرن برآمده از دل انقلاب مشروطیت، به‌دنبال تولید فضای مدرن است که اندیشه‌های جدیدش بتواند در قالب آن پرورش یابد. شکل‌گیری چنین فضایی نیازمند مدرنیزاسیون بود. ابزار چنین تحولاتی شهر است که می‌تواند مدرنیته و مدرنیسم را به‌صورت فضای زیسته تولید کند. در نتیجه دولت مدرن شهر را به‌عنوان قهرمان مدرنیته انتخاب می‌کند و شروع به مدرنیزاسیون در مقیاس بزرگ می‌کند. این فرایند مدرنیزاسیون قرار است شهری مدرن با خیابان‌ها و فضاهای عمومی جدید هماهنگ با تفکر مدرنیته تولید کند. چنین فرایند خلق فضاهای شهری جدید باید با اهداف توسعه‌ای و کنترلی بر فضا همراه شود. در نتیجه دولت به‌دنبال ساختن جدید است تا بتواند هفته بعد آن‌ها را از نو بسازد یا جایگزین کند. کل این جریان می‌تواند بارها تکرار شود و می‌توان امیدوار بود که تا ابد در اشکال سودآورتری ادامه یابد. پس این ساختن به شکل فرایند است که از اوایل قرن چهاردهم شروع شده است. مهم‌ترین هدف آن توسعه و مدرن‌کردن از طریق کنترل و تغییر فضا است که شهر عهده‌دار آن بود. آنچه در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود این است که ابتدا فرایند تولید فضا در شهر از اوایل قرن چهاردهم تا الان به چه صورت بوده و دوم اینکه خروجی چنین تغییر فضای شهری منتج به چه نوع فضایی شده است.

---

1. Lefebvre  
2. Mumford  
3. Foucault  
4. Soja

## مبانی نظری

### مفهوم فضا

معرفت‌شناسی یا فلسفه از «تولید در فضا» گرفته تا «تولید فضا»، از دهه ۱۹۷۰ تا حد زیادی تغییر اساسی داشته است و فضا به یک کلمه کلیدی در علوم اجتماعی، انسانی و سایر زمینه‌ها تبدیل شده است (Foucault, 1977; 1980; 1986; Harvey, 1973; Lefebvre, 1991; Soja, 1989). از زمانی که هنری لوفور شاهرکار تولید فضا را منتشر کرد، لوفور و یارانش به‌طور مداوم این تئوری را برای ادغام تولید فضا، توسعه نابرابر جغرافیایی در موضوعات شهری یا تحقیقات شهرسازی به‌کار گرفتند (Castells, 1977; Harvey, 1982; Soja, 1989). با استفاده از این مفهوم، بسیاری از محققان نظرات جدیدی در حوزه تولید فضای شهری در سراسر جهان ارائه دادند (Harvey, 1990a, b; Klink, 2013; McGee, 2009; Purcell, 1997; Raco and Gilliam, 2012). مفهوم فضایی لوفور، شهر را محصول فعالیت‌های اجتماعی معرفی می‌کند که در ادوار مختلف تاریخی متداول و شکل گرفته است؛ بنابراین شهر پیامد فرایندی فرهنگی-اجتماعی مشخص متعلق به همان جامعه است. فضای شهری به فضایی در شهر اشاره دارد که با شکل و ویژگی‌های متفاوت به‌عنوان یک محصول اجتماعی در ادوار مختلف، تاریخی تداوم‌یافته دارد (Lefebvre, 1991: 73). بین شهرنشینی و تولید فضا رابطه دیالکتیکی و چندمقیاس وجود دارد. شهرنشینی سریع نه فقط فضای فیزیکی از جمله محیط ساخته‌شده، کاربری اراضی و چشم‌اندازها و غیره را تغییر می‌دهد، بلکه فضای تخیلی و ذهنی را نیز عوض می‌کند (Ye et al., 2017: 107). انواع مختلفی از مقیاس بین شهرنشینی و تولید فضا وجود دارد (Brenner, 2000) که در مقیاس‌های مختلف اجتماعی، مکانی و زمانی درهم‌تنیده هستند (Cash et al., 2006; Shen, 2005; Ye, Chen, 2014). فضا را به‌طور کلی می‌توان در مقیاس مکانی، شهر، منطقه تا کشور و در مقیاس جهانی به سه نوع کلان، میانه و خرد تقسیم کرد (Gregory, Johnson, Pratt, Watts, & Whatmore, 2009). محققان در مورد تولید فضا در مقیاس میکرو، برخی از چارچوب‌ها را برای ادغام کاربری اراضی، تولید و سیاست‌های فضایی و خلاصه‌ای از مکانیسم‌های تولید فضا بر پایه مطالعات دانشگاهی انجام داده‌اند (Li, Li, & Wang, 2014; Ye, Chen, Chen, & Guo, 2014). در مقیاس شهری نیز معمولاً پاریس، لس‌آنجلس، بالتیمور و شانگهای به‌عنوان نمونه‌هایی معمول در شهرنشینی جهان، اغلب برای تبیین فرایند تولید فضا از رویکردهای هنری و تفسیر متن استفاده می‌کنند (Harvey, 1996; Huang, 2004; Soja, 2003 & 2000). در چارچوب لوفوری، فضا هم برساخت‌های مادی است و هم برساخت‌های ذهنی. لوفور مخالف آن اندیشه‌ای است که انواع متفاوت فضا را از هم دور نگاه می‌دارد، به‌طوری‌که فضای فیزیکی، فضای ذهنی و فضای اجتماعی با همدیگر تداخل نیابند. او معتقد است هریک از سه نوع فضا متضمن دیگری است و شالوده دیگری را تشکیل و از وجود دیگری خبر می‌دهد (لوفور، ۱۹۹۱: ۳۶). در واقع لوفور با نقد نگاه جوهری به فضا، به دنبال تلفیق فضای ذهنی، فضای فیزیکی و فضای اجتماعی است. بر همین اساس در مقابل دوگانه‌انگاری سنتی که قائل به فضای واقعی و فضای ذهنی است از مفهوم فضای اجتماعی استفاده می‌کند (زایلینچ، ۲۰۰۷: ۶۹). لوفور از مفهومی ربطی درخصوص فضا و زمان استفاده می‌کند. فضا علامت هم‌زمانی و نظم هم‌زمان واقعیت اجتماعی است و زمان نشانگر نظم درزمانی؛ بنابراین فرایند تاریخی تولید اجتماعی است. جامعه در اینجا نه

تمامیت فضایی-زمانی بدن‌ها یا ماده است و نه جمع کل کنش‌ها و کردارها. انسان‌ها با مادیت و احساسشان، حس و تخیلشان و با تفکر و ایدئولوژی‌شان در مرکز نظریه ماتریالیستی لوفور قرار دارند؛ انسان‌هایی که از طریق فعالیت‌ها و کردارشان با یکدیگر وارد روابط می‌شوند. لوفور نظریه تولید اجتماعی و زمان اجتماعی را بر این مفروض‌ها بنا می‌کند. بر این اساس، فضا و زمان عامل‌های مادی محض نیستند و نمی‌توان آن‌ها را به وضعیت مفاهیم محض و پیش‌بینی‌پذیر تقلیل داد. آن‌ها مانند ابعاد جدایی‌ناپذیر کردار اجتماعی اداره می‌شوند. لوفور آن‌ها را در تولیدات اجتماعی می‌بیند. در نتیجه هر دو عنصر زمان و مکان، نتیجه و پیش‌شرط تولید جامعه‌اند (Goonewardena et al., 2008). البته بسیاری از جغرافی‌دانان ترجیح می‌دهند از مفاهیمی تعیین‌یافته از جمله مکان، محیط، چشم‌انداز، منطقه و محلی استفاده کنند. در مطالعات آن‌ها، فضا مفهومی به‌ظاهر انتزاعی است.

### مدرنیته و تغییر فضا

مدرنیسم از تبار لاتین مدرنوس<sup>۱</sup> است (حییبی و جابری، ۱۳۸۶: ۶۸) و یکی از معانی لغوی آن، نوگرایی و توجه به پدیده‌ها و روش‌های نوین است؛ بنابراین در زمینه‌های هنری و ادبی و از جمله معماری و شهرسازی می‌توان آن را وجهی خاص از تجددطلبی تلقی کرد که گذشته را نفی می‌کند و به مبانی معنوی و روحانی اعتقادی ندارد (نقی‌زاده، ۱۳۷۸: ۷۹). این پدیده که با عقلانیت و خردگرایی پیوند خورده است، در زمینه هنر و شهرسازی با خواست زیبایی‌شناختی کردن مکان‌های زندگی برای انسان مدرن آغاز شده بود که به گفته شارل بودلر شاعر فرانسوی تلاشی برای تسلط هنر همراه با عقلانیت مهندسی در قلمروهای زندگی بود (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۳). معماری و برنامه‌ریزی شهری مدرنیته روایت مدرن‌شده از گذشته را ارائه می‌کند. جهانی که به‌لحاظ فیزیکی و اجتماعی به پاره‌ای مجزا تقسیم شده است. اینجا مردم، آنجا ترافیک، اینجا کار، آنجا خانه، اینجا اغنیا، آنجا فقر و در میان آن‌ها موانعی از چمن و سیمان، جایی که هاله‌های زرین می‌توانستند گرد سر آدمیان شروع به رشد کنند (برمن، ۱۳۹۲). آثار فیلسوف مشهور، رنه دکارت<sup>۲</sup> در بررسی منشأ مدرنیته از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. جالب اینکه دکارت دقیقاً شهر را به‌منزله استعاره و تعبیر واقعیت به کار می‌گیرد. به عقیده وی، شهرهای گذشته (یا شهرهای شکل‌گرفته) به‌منزله مدل ریخت‌شناسی به‌طور اتفاقی و تصادفی شکل می‌گیرند؛ در صورتی که باید این شهرها به دست افرادی طراحی شوند که با خرد هدایت می‌شوند (بحرینی و حسینی، ۱۳۹۳: ۵۴۳). در پی چنین تفکری فاوست در داستان گوته دستور می‌دهد که کلنگ‌های خویش را بردارید، تبرها و چکش‌های خود را بردارید و این شهرهای محترم و معزز را با بی‌رحمی درب‌وداغان کنید. درواقع رابطه مدرنیته با گذشته قطع شده است. مدرنیته به‌طور مستمر با چنان سرعت سرسام‌آوری به‌سوی آینده می‌شتابد که هرگز نمی‌تواند در جایی ریشه بدواند و صرفاً با گذر از امروز به فردا، به حیات خود ادامه می‌دهد. درواقع مدرنیته قادر نیست به سرچشمه‌های خویش بازگردد و از این طریق قوای احیاگر و نجات‌بخش خود را بازیابد (برمن، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، مدرنیته کل نوع بشر را وحدت می‌بخشد، اما این وحدتی معماروار، تناقض‌آمیز و مبتنی بر تفرقه است. این وحدت همه را به درون گرداب فروپاشی و تجدیدحیات مستمر، مبارزه و تناقض، ابهام و عذاب می‌افکند (امیرضیائی، ۱۳۸۴: ۱۹۷). از

1. Modenus

2. René Descartes

جمله عوارض ذاتی مدرنیسم، میل غریزی آفرینش محیطی همگون و فضایی تماماً مدرنیته است که چهره‌ظاهری و حال‌وهوای جهان کهن بدون هیچ ردپا یا نشانه‌ای، از آن محو شده است. آرزوی شهرسازی مدرنیستی آزادی و رهایی در زندگی شهری بود اما طنز تراژیک این شهرسازی در آن است که پیروزی‌اش به نابودی این نوع از زندگی شهری کمک کرده است (برمن، ۱۳۹۲). تأکید متفکران مدرنیست نظیر هابرماس<sup>۱</sup>، برمن<sup>۲</sup>، تورن<sup>۳</sup> و چایلدز<sup>۴</sup> بر ناپایداری، گسست و جدایی فزاینده مدرنیسم و مدرنیزاسیون و البته غلبه مدرنیزاسیون، بیانگر بحران مدرنیته است. قرار بود مدرنیته به دست عقل، جامعه بشری را به سوی فراوانی، آزادی و خوشبختی پیش برد (امیرضیائی، ۱۳۸۴: ۱۹۷).

آنچه در این پژوهش مورد توجه است، تفاوت مدرنیته در غرب و جهان سوم است که تأثیر آن بر تغییر فضا چه از لحاظ فیزیکی و چه از لحاظ ذهنی و روحی کاملاً متفاوت است؛ چرا که غرب به‌ویژه فرانسه جامعه خود را مستقیم براساس مواد و مصالح مدرنیزاسیون سیاسی و اقتصادی برپا کرده بود و از دل واقعیتی مدرنیته‌شده انرژی و آرمان‌های خویش را استخراج می‌کرد. در واقع بلوارهای پاریس هوسمان، ابزارهای بورژوازی پویا و دولتی بودند که عزم راسخ داشتند جامعه را هرچه سریع‌تر مدرنیته کنند، نیروهای مولد و روابط اجتماعی را توسعه دهند و جریان مبادله کالا، پول و انسان‌ها را در پیکر جامعه فرانسه و در سراسر جهان سرعت بخشند، اما مدرنیسم جهان سوم از دل عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی خیز برداشته بود. در نتیجه مدرنیسم جهان‌سومی به‌ناچار خشن و خام، شکل‌نیافته و آمیخته با بیخ و جنجال بود. این مدرنیسم همیشه علیه خود می‌شورد و خود را شکنجه می‌دهد که چرا قادر نیست یک‌تنه تاریخ را عوض کند (برمن، ۱۳۹۲).

در کشورهای توسعه‌نیافته، اجرای طرح‌ها و برنامه‌های منظم برای توسعه سریع، عموماً به معنای تولید فضای جدیدی بود که دولت‌ها بتوانند بر آن کنترل داشته باشند و موانع فضایی برای کنترل و تسلط بر فضا برداشته شود. در نهایت تولید فضای مدرن برای سرمایه بود. این نوع مدرنیسم در کشورهایی مانند روسیه و ایران تجربه شد. خیابان‌های ایران حاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و معنوی فاصله بی‌حدو حصر داشتند و بیشتر صحنه نمایش بودند. در واقع مدرنیسم زمانی در ایران ظهور کرد که اصلاً طبقه سرمایه‌داری شکل نگرفته بود که پشتیبان معنوی این تغییرات مادی باشد. فلسفه این مدرنیسم بیشتر برای تولید فضای قابل کنترل بود. دولت مدرن از دل مشروطیت بیرون آمده بود و با پشتیبانی مالی عنصری جدید به نام نفت قدرت لازم را برای تغییر داشت. آریستوکراسی مدرن برای حکمروایی نیازمند پول بود و روابط فضایی جدید از ائتلاف سرمایه مالی، دولت و مالکیت ارضی ناشی شده بود (هاروی، ۱۳۹۳). دولت مدرن بدون تجمع سرمایه‌ای سوداگر نمی‌توانست هیچ‌گونه مدرنیته‌ای شکل دهد و یکی از کلیدهای مهم، یافتن راهی برای هدایت جویبارهای سرمایه به گردش حجیم بود که می‌توانست متقبل پروژه‌ها در مقیاس لازم شود. آن کلید در ایران، نفت بود که دولت مدرن بدون آنکه به جایی وابسته باشد، کلید مدرنیزاسیون را زد. از مهم‌ترین اقدامات برای تولید روابط فضایی جدید، ایجاد خطوط راه‌آهن بین شهرها و خیابان‌ها در داخل شهرها بود که خطوط آهن نه فقط مشخصات فیزیکی روابط فضایی، بلکه روابط اجتماعی، فضاهای صمیمی و دریافت‌های حسی را انقلابی کرد. ادغام حومه‌ها و حاشیه‌های

1. Habermas  
2. Berman  
3. Touraine  
4. Childs

دورافتاده روستایی در گرداب زندگی شهری بدین معنا بود که هیچ مکانی از فرایند تمدن شهری در امان نیست. نظام جدید خیابانی فرصت‌های بزرگی برای کسب رانت‌های درحال‌افزایش ناشی از موقعیت زمین بود.

خیابان‌های جدید نه فقط فرصت‌هایی برای کنترل نظامی فراهم کردند، بلکه اجازه دادند سرمایه‌داری در محله‌های تجاری و تفریحی به حرکت درآید. گذار به سوی نوعی شکل برون‌گرا از اوربانیسم با تمامی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی‌اش تضمین شد. در این میان وظیفه دولت فرماندهی و کنترل بود. در فضای قدرتی که قدرت به مفهوم دقیق کلمه نمود پیدا نمی‌کرد، این مفهوم خود را زیر سازمان فضا پنهان کرده بود (هاروی، ۱۳۹۳). در چارچوب اندیشه هانری لوفور، نهادهای دولتی در تولید، تنظیم و بازتولید طیف گسترده‌ای از فضاهای کاپیتالیستی نقش مهمی ایفا می‌کنند. براساس نظریات او «فقط دولت می‌تواند وظیفه مدیریت فضا در مقیاس وسیع را برعهده بگیرد» (منوچهری و رهنمایی، ۱۳۹۸). درواقع نظریه لوفور درباره شیوه تولید دولتی، عینک تحلیلی قدرتمندی را فراهم می‌سازد که از طریق آن می‌توان جنبه‌های تکامل‌یافته سیاسی، نهادی و جغرافیایی تولیدگرایی دولتی را به‌گونه‌ای انتقادی رمزگشایی کرد (Brenner, 2001: 789). اینکه دولت مدرن تازه متولد شده فهمیده بود که برای بقای چنین دولتی باید فضا تغییر کند. ابزار تغییر این فضا مدرنیسم بود. کلید تغییر، شهرها بودند. درواقع شهرها می‌توانستند به‌عنوان قهرمان مدرنیته عمل کنند و دولت از طریق شهرها می‌توانست فضای دلخواه خود را تولید کند تا به دو هدف اصلی خود، یعنی کنترل فضا و بسط سرمایه‌داری دست یابد.

رویکرد نظری پژوهش مبتنی بر آرای هانری لوفور درباره تولید فضا است. در طول تاریخ با گذر زمان شیوه‌های تولید و به تبع آن‌ها فضاهای اجتماعی تغییر می‌کنند؛ برای مثال شیوه‌های تولید، برده‌داری، فئودالیسم و سرمایه‌داری هر یک فضای خاص خود را دارند. هر جامعه‌ای بنا بر شیوه تولید، فضای خاص خود را می‌سازد. شیوه تولید پیشا سرمایه‌داری و سرمایه‌داری هر کدام فضاهای خاص خود را تولید می‌کنند. با وجود این، تولید فضا صرفاً مبتنی بر شیوه تولید اقتصادی نیست، بلکه کنشگران و معانی‌ای نیز که آنان در زندگی روزمره به محیط خود می‌دهند در این فرایند نقش دارند (اباذری و قلی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱). به عقیده لوفور (۱۹۹۱)، فضا یک محصول اجتماعی است که فی‌نفسه وجود ندارد، بلکه تولید می‌شود (عزتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۶). رویکرد لوفور برای فهم تولید فضا و دانش راستین از فضا، در سه‌گانه فضایی‌اش متبلور می‌شود. از این‌رو، عمل فضایی<sup>۱</sup>، بازنمایی‌های فضا<sup>۲</sup> و فضاهای بازنمایی‌شده<sup>۳</sup> چارچوبی را برای فهم فضاهای اجتماعی در متن و زمینه تولیدشان درون جوامع و دوره‌های خاص تاریخی فراهم می‌کند. لوفور با تکیه بر تریالکتیک فضایی، نقش دوگانه فضا را در ایجاد محدودیت و امکانیت برای کاربران آن شرح می‌دهد. به‌زعم وی، دانش کامل از فضا باید روابط درونی این سه مؤلفه فضایی را دربرگیرد. بر همین اساس، لوفور مدلی سه‌تایی طرح می‌کند و آن‌ها را سازنده‌ها یا لحظات تولید فضا می‌نامد که از سویی آن‌ها را به سه‌گانه کردارهای فضایی، بازنمایی‌های فضا و فضاهای بازنمایی‌شده و از سویی دیگر به فضای دریافته<sup>۴</sup>، فضای پنداشته<sup>۵</sup> و فضای زیسته<sup>۶</sup> تعبیر کرده است (منوچهری و

- 
1. Spatial practices
  2. Representations of space
  3. Space representation
  4. Lived Space
  5. Conceived Space
  6. Lived space

رهنمایی، ۱۳۹۸: ۹۳) در کانون این نظریه، سه لحظه تولید مادی (عمل فضایی)، تولید دانش (بازنمایی فضا) و تولید معنا (فضای بازنمایی) وجود دارد، به همین دلیل، نظریه لوفور به دنبال فضای خود نیست. فضا نظم مصنوعات واژه‌های مادی نیست، بلکه شبکه درهم‌تنیده‌ای از روابط است که دائماً تولید می‌شود (اباذری و قلی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۸).

جدول ۱. تریالکتیک لوفور و بنیان‌های آن

حوزه	تولید فضا	سلطه و کنترل فضا	تملک و استفاده از فضا	ابعاد سه‌گانه فضای فیزیکی / تجربی
فیزیکی (طبیعت)	تولید زیرساخت‌های فیزیکی (حمل و نقل و ارتباطات و غیره)	مالکیت خصوصی زمین، تقسیمات دولتی و اداری فضا، واحدهای همسایگی و اجتماعات محلی بسته، منطقه‌بندی	کاربری اراضی و محیط مصنوع فضاهای اجتماعی	عمل فضایی (تجربی)
ذهنی (انتزاعیات صوری درباره فضا)	نظام‌های جدید تولید نقشه، بازنمایی بصری، گفتمان‌های معماری و هنری جدید	ناسیونالیسم، ژئوپلیتیک، سلسله‌مراتب، الزامات سرزمینی	سلسله‌مراتب فضایی، فضای شخصی، نقشه‌های ذهنی فضای اشغالی، بازنمایی نمادین فضاها	بازنمایی فضا (ادراک)
اجتماعی (تعاملات انسانی)	طرح‌های اتوبیایی، چشم‌اندازهای تخیلی، اسطوره‌شناسی فضا و مکان، شعر فضا، فضای مطلوب	ناآشنایی، فضای هراس، املاک و مستغلات، فضاهای آیینی و یادمانی، فضاهای سرکوب، موانع نمادین	آشنایی، مکان‌های تماشایی عمومی (خیابان، میدان و بازار)، دیوارنگاره‌ها، تبلیغات، مکان‌های باز	فضایی بازنمایی (تخیل)

منبع: هاروی، ۱۳۹۳: ۲۹۱

## روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل فرایند تولید فضای شهری از اول قرن چهاردهم تا امروز صورت گرفته است. بدین جهت روش انجام مطالعه توصیفی (پس‌رویدادی) است. برای جمع‌آوری داده‌ها، از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) استفاده شده است. رویکرد تحقیق بر این مبنا است که فرایند تولید فضای شهری با تکیه بر شهر تهران در سه مقطع زمانی دوره‌های پهلوی اول، پهلوی دوم و جمهوری اسلامی مطالعه کند. این حوزه‌ها شامل اقدامات، عوامل مؤثر، نتایج، اهداف تغییرات فضا در شهر تهران است که در سه مقطع مطالعه شده تا فرایند تولید فضای شهری تهران بررسی شود.



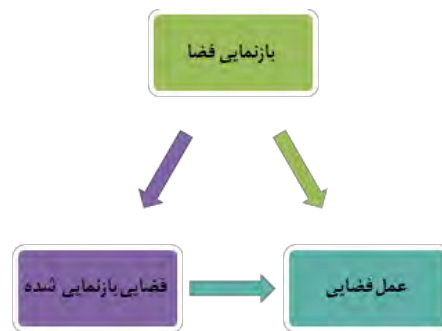
شکل ۱. چارچوب مفهومی تحقیق

### دوره اول: تغییر و کنترل فضا

تولید فضا در قبل از مدرنیته در شهرهای ایران متأثر از جهان‌شناسی اسلامی بود که خود را در ساختار و کارکرد شهرها نشان داده بود (اباذری و قلی‌پور، ۱۳۹۱؛ شکویی، ۱۳۸۵؛ حبیبی، ۱۳۸۴؛ پوراحمد و یزدانی، ۱۳۸۶؛ سلطان‌زاده، ۱۳۶۵؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰؛ کلاتنری و همکاران، ۱۳۸۹؛ Burckhardt, 1992). هرچند که تغییراتی در اواخر دوره قاجار در شهر تهران تحت تأثیر مدرنیته ایجاد شد، تهران دوره قاجاریه هنوز ترکیبی از سنت و مدرنیته بود و تغییرات کلی در شهر یعنی تغییر در نقشه شهر و ایجاد دارالخلافه ناصری، عناصری مانند نگارخانه، آمفی‌تئاتر به سبک غربی، ایجاد دارالفنون به منظور تولید فضای جدید نبود (حبیبی، ۱۳۸۴؛ زیاری و همکاران، ۱۳۹۳؛ رمضان جماعت و اکبری، ۱۳۹۲). با شکل‌گیری دولت جدید (مدرن) در اوایل قرن چهاردهم، فرایند تولید فضای شهری تغییر کرد (منوچهری و رهنمایی، ۱۳۹۸). دولت مدرن از طریق شهر به دنبال تولید فضای اجتماعی جدید است که مسیر آن از طریق مدرنیته و مدرنیزاسیون امکان‌پذیر است. برای این منظور باید فرم و محتوا و نقش شهر مانند شهرهای مدرن غربی تغییر کند تا فرایند مدرنیزاسیون انجام شود. هدف غایی دولت، تولید سلطه و مالکیت بر فضا است که از طریق شهر مدرن امکان‌پذیر است. در این مرحله، دولت به طبقه اجتماعی جدیدی نیاز دارد تا از طریق حمایت و پشتیبانی آن به اهداف خود برسد. در نتیجه طبقه جدید شهرنشین با عنوان «بورژوازی بوروکراتیک» با حمایت مستقیم دولت از دل دولت مدرن متولد می‌شود. برای اولین بار است که دولت به‌عمد به دنبال تغییر ابزاری فضا است. هدف، تولید فضایی است که اهداف دولت در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در آن تأمین شود. دولت با ایجاد بورژوازی بوروکراتیک-نظامی پایگاه قوی برای رسیدن به اهداف خود در شهرها را فراهم کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۷؛ زهیری، ۱۳۸۱). با رشد این طبقه جدید در ایران، بخشی از حاملان فرایند نوسازی در عرصه تغییرات اجتماعی مؤثر واقع شدند. جذب امکانات مالی و درآمدهای نفتی، افزایش تعداد کادر افسران ایرانی، خدمت نظام‌وظیفه اجباری، خرید اسلحه و تقسیم‌بندی‌های جدید، همگی برتری طبقه جدید را بر جامعه تثبیت می‌کرد. تا پایان این دولت، بودجه وزارت جنگ بیش از یک‌سوم بودجه کل کشور بود (کاتوزیان، ۱۳۹۷؛ خلیلی‌خو، ۱۳۷۳). مهم‌ترین هدف دولت، تغییر و تسلط بر فضا بود که از طریق توسعه شهرها و نقش اداری-سیاسی آنها فراهم می‌شد. در مرحله بعدی، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای سرمایه‌داری بوده است که در شهرها به‌وجود می‌آمد. برای این منظور دولت از یک دولت انتظامی به یک دولت برنامه‌ای تبدیل می‌شود که بتواند برای تمام سازمان فضایی کشور از بالا به پایین برنامه‌ریزی کند. در نتیجه دولت خود بر آن شد که فضای شهرها (به‌ویژه تهران) را براساس الگوهای مدرن (هوسمانسیم) و با توجه به نیاز خود (تسلط بر فضا) و سرانجام بسط سرمایه‌داری تغییر دهد.

از این به بعد بود که عمل فضایی فضا که به‌صورت تدریجی و در گذر زمان تحت تأثیر عناصر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی شکل گرفته بود و به شیوه منسجم جامعه را از استمرار اجتماعی و بازتولید روابط اجتماعی آگاه می‌کرد، باید تغییر کند و براساس گفتمان جدید مدرنیته شکل بگیرد. برای این منظور، دولت اقدام به بازنمایی فضا می‌کند که هم‌زمان عمل فضایی و فضای بازنمایی شده را تغییر دهد.





شکل ۲. روابط ابعاد تولید فضا در پهلوی اول

## بازنمایی فضا

بازنمایی فضا دلالت بر ساختار شهر دارد. ساختار شهر تهران قبل از مدرنیسم نشان می‌دهد عناصر اصلی شهر با توجه به جهان‌بینی شهر ایرانی-اسلامی شکل گرفته است و شهر از لحاظ ساختاری درون‌گرا است، اما اقداماتی که برای ساخت‌وساز شهر مدرن انجام گرفته موجب تغییرات زیادی در بازنمایی عناصر تشکیل‌دهنده این شهر شده است. شهر به تدریج از حالت درون‌گرایی به سمت برون‌گرایی حرکت می‌کند.

جدول ۲. بازنمایی فضا در شهر سنتی و مدرن

تهران مدرن	تهران سنتی	عناصر	اقدامات صورت‌گرفته برای بازنمایی فضا
- استقلال سلسله‌مراتب معابر از سلسله‌مراتب فضایی شهر - طراحی متکی به تسهیل دسترسی	- سلسله‌مراتب معابر و پیروی آن از سلسله‌مراتب فضای شهر - طراحی متکی بر بن‌بست	خیابان	- تصویب نقشه تهران (نقشه خیابان‌ها) - تصویب قانون بلدیہ (۱۳۰۹)
- اختلاف نسبی کاربری‌ها و ترک موقعیت تاریخی و جغرافیایی (بازار و گسترش امور تجاری به خیابان‌ها)	تمایز کامل کاربری‌ها از یکدیگر	کاربری‌ها	- تخریب دیوارهای کهن تهران - ایجاد خیابان‌های عریض کمربندی
شمال و جنوب اجتماعی و تظاهر کالبدی آن	نبود شمال- جنوب اجتماعی شهر و بالطبع تظاهر کالبدی آن	طبقات اجتماعی	- تصویب قانون احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها (۱۳۰۹)
نبود سازمان محله‌ای و نبود تعریف فضایی برای شهر	شهر دورنگر، متکی به سازمان محله‌ای که هریک از محله‌ها هستی مستقل داشتند	واحدهای فضایی	- تهیه نقشه جدید تهران و طرح نقشه خیابان‌ها - قواعد ساخت امکان عمومی (۱۳۰۳)
با گسترش فعالیت‌های تجاری و اداری به خیابان‌ها و قرار گرفتن واحد مسکونی در بر خیابان یا کوچه، بدنه‌سازی مورد توجه واقع شد.	بدنه‌های بسیار ساده که عمدتاً از دیوارهای یکنواخت تشکیل می‌شد	بدنه	

منبع: اهلرز، ۱۳۸۰؛ حبیبی، ۱۳۸۴؛ حبیبی و اهری، ۱۳۸۵؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰؛ اقوامی مقدم، ۱۳۷۸؛ زیاری و یوسفی، ۱۳۸۲، دهقانی، ۱۳۸۵

شهر مدرن برای اهداف دولت مدرن طراحی می‌شود. نتیجه آن جراحی‌های بسیار عظیم در سطح شهر تهران است که بیشتر نهادهای سنتی نه به‌عنوان رقیب نهادی جدید (سینما، بانک و غیره)، بلکه مانع توسعه فضای جدید قلمداد می‌شدند که نشانی از گذشته و توسعه‌نیافتگی بودند و در نتیجه از ساختار فضایی شهری محو شدند. سازمان‌دهی مجدد براساس نیازهای روز، این بار نه از کانال تصمیم فرد همه ساکنان شهر، بلکه به‌وسیله نخبگان و در رأس آن‌ها خواسته‌های دولت شکل گرفت که خواهان پایتختی در شأن و مقام پایتخت‌های اروپایی است. با اولین اقدام مدرنیستی یعنی تصویب طرح «قانون بلدیہ»، با عنوان نقشه خیابان‌ها در سال ۱۳۰۹ شمسی صورت می‌گیرد و بعد از آن قانون تعریض و توسعه معابر

و خیابان‌ها در سال ۱۳۱۲ جویای روشن به بازنمایی فضا در شکل مدرنیستی و به‌طور مشخص شهرسازی هوسمانی است (زیاری و یوسفی، ۱۳۸۲: ۷؛ بحرینی و امین‌زاده، ۱۳۸۵). دوازده دروازه شهر به همراه بناهای بی‌شماری از جمله قصر قاجار، سلطنت‌آباد بر اثر اقدامات بازنمایی فضایی روشنگرایانه و مدرنیستی از چهره شهر تهران محو شدند (مدنی‌پور، ۱۳۸۱: ۶۰). با تصویب قوانین مذکور، ابزارهای قانونی برای اجرای تغییرات کالبدی شهر نیز فراهم شد. سیمای شهری به تدریج به وسیله دولت تغییر می‌کرد. محله‌ها به تدریج از همدیگر متمایز می‌شدند و تمایز آن‌ها نه بر مبنای قومی-مذهبی یا فرهنگی، بلکه براساس طبقات اجتماعی بود. هرچند این تغییرات از قبل شروع شده بود، با اجرای قوانین ساخت‌وساز جدید سرعت بیشتری گرفتند. خیابان‌های جدید نه فقط فرصت‌هایی برای کنترل فضا از طریق حرکت نظامی فراهم کردند، بلکه به طبقه سرمایه‌دار اجازه دادند در محله‌های تجاری و تفریحی به حرکت درآیند.

### فضای بازنمایی شده

فضای بازنمایی شده به فرایندی از دلالت اشاره دارد که خود را با دال یا نماد مرتبط می‌سازد. نمادها می‌توانند طبیعی (درختان، اشکال طبیعی و غیره)، فرهنگی (قومی، نژادی و هویتی) و دست‌ساخت بشر (ساختمان، بناهای تاریخی یا یک چشم‌انداز) باشد. این بعد فضا تخیل اجتماعی و اتوپیای زندگی روزمره را شکل می‌دهد.

جانت ابولقود<sup>۱</sup> فضای اجتماعی شهرهای اسلامی را بر مبنای سه عنصر توضیح می‌دهد:

۱. تمایز میان قشرهای مردم براساس دین (امت اسلامی و غیره)؛

۲. تفکیک جنسیتی؛

۳. تمرکززدایی اجتماعی و کنترل محله (اباذری و قلی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۷).

علی‌رغم اینکه عملکردهایی مانند ساخت تماشاخانه، سینما، چاپخانه، هتل و مغازه‌هایی به سبک فرنگی، باغ ملی، باغ‌وحش و گیاه، بانک، قورخانه و غیره به یکباره چهره شهر کهن را در اواخر دوره قاجار دگرگون کرد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۳)، تهران دوره قاجار همچنان ویژگی‌های اجتماعی شهر ایرانی-اسلامی را داشت و عناصر اصلی شهر شامل ارگ، مساجد، مدارس، بازار، میدان و محله بود. محله مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی به‌شمار می‌رفت و مبنای این تمایزات، ویژگی‌های قومی و مذهبی بود که به‌صورت جدایی‌گزینی فضایی میان مسلمانان و غیرمسلمانان بوده است (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۳۴)؛ برای مثال محله عولاجان دربردارنده پیروان مذهب تشیع، یهودیان و اقلیتی از مسیحیان بوده است و دو گروه مسلمانان و یهودیان طی سال‌های زندگی مشترک با یکدیگر، همزیستی نسبتاً آرام و سالمی داشته‌اند. در محله سنگلج، شیوه زندگی اهالی به‌لحاظ اجتماعی و منزلتی شکل و نمای افقی داشته است. در همه جای محله، کم‌وبیش همه طبقات و گروه‌های اجتماعی سکونت داشتند. هیچ‌یک از محله‌ها بدون اعیان و اشراف و روحانیون بزرگ نبودند. همه آن‌ها دارای امام‌زاده و اماکن مقدس بودند و همین امر ادغام اجتماعی و انسجام مردمی را پدید می‌آورد. مشاغل برجسته‌ای مانند طبابت و داروسازی نیز گاهی برعهده یهودیان محله بود (تکمیل همایون، ۱۳۹۳؛ ناصرخت، ۱۳۹۶). نیازی که جامعه به طبیبان یهودی داشت، روابطی را بین طبیبان و شخصیت‌های بزرگ کشوری و دربار پدید می‌آورد و شرایط همزیستی مناسبی را

سامان می‌داد. هم‌نشینی و هم‌زیستی میان محله‌ها با پیروان ادیان و مذاهب از جمله مسلمانان، یهودیان و مسیحیان از مهم‌ترین نمودهای روابط و مشارکت محلی بوده است. در عین حال می‌توان شاهد سکونت و حضور طبقات مختلف اجتماعی و منزلتی در یک محله بود که این هم‌زیستی و هم‌آوایی در دوره قاجار نمود بیشتری داشت. هر محله دارای اماکن و پاتوق‌هایی برای فعالیت‌های اجتماعی از جمله حل‌وفصل امور ساکنان یا مرکز جنبش‌های سیاسی و مذهبی در مقاطع زمانی مختلف بوده است. حضور روحانیون در محله‌ها، از عوامل انسجام و هدایت اهالی در فعالیت‌های جمعی و تعاون بین آن‌ها به‌شمار رفته است. در این کارکرد اجتماعی، عناصر کالبدی مهمی نظیر امامزاده‌ها و اماکن مقدس دیگر از نقش ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. همچنین به مفهوم سلسله‌مراتب و حریم دسترسی به فضاهای خصوصی خانه‌ها با تمهیدات طراحی توجه خاصی شده است؛ به‌طوری‌که ویژگی حفاظت و حریمیت در نسبت با موقعیت قرارگیری خانه در محله نوعی ارزش و امتیاز برای خانه محسوب شده است (شهری، ۱۳۶۷؛ تکمیل همایون، ۱۳۹۳؛ ناصر بخت، ۱۳۹۶؛ حقیقت نائینی و همکاران، ۱۳۹۸). ایجاد قلمرو با هدف تأمین حریم برای اقلیت‌های دینی از جمله یهودیان به سبب سبک خاص زیست ایشان و نوع بهره‌برداری تعریف‌شده آن‌ها از مواد خوراکی کاشر (معادل حلال در تعبیر اسلامی) و تأمین حریم برای بناهای دینی از جمله کنیسه‌ها و گرمابه‌های یهودیان با هدف تسهیل و تعریف در بهره‌برداری ایشان از عملکردهای ویژه از موارد مرتبط با این معیار است. از مصادیق دیگر باید به تعریف پاتوق یا فضاهای مختص به حضور ساکنان محله به‌عنوان قلمروهای اختصاصی برای هم‌محله‌ای‌ها با کارکردهای جمعی اشاره کرد که مکانی برای فعالیت‌های تعریف‌شده سیاسی یا مذهبی محله بود که گاهی به‌دلیل مفهوم قلمرو، با حضور نامتعارف افراد ناشناس دیگر برخورد و مقابله می‌شد (حقیقت نائینی و همکاران، ۱۳۹۸). در تعبیری دیگر، مفهوم سلسله‌مراتب و حریم در چینش دسته‌های عزاداری محله‌ها با معیارهای ارزش‌مدارانه از جمله حضور دسته‌های عزاداری محله‌های سادات‌نشین در پیشاپیش دسته‌های دیگر بروز یافته است که البته مشابه این رویکرد را در سلسله‌مراتب دیدوبازدیدهای مناسبی نیز می‌توان شاهد بود. به‌گونه‌ای که دیدار بزرگان قوم و محله در اولویت قرار داشت.

جدول ۳. فضای بازنمایی‌شده در شهر سنتی و مدرن

شهر مدرن	شهر سنتی	مهم‌ترین شاخص‌های ویژگی‌های فضای بازنمایی‌شده
- تمایزات بر مبنای ویژگی‌های طبقات اجتماعی که به‌صورت جدایی‌گزینی فضایی میان ثروتمندان و گروه‌های دیگر بوده است	تمایزات بر مبنای ویژگی‌های قومی و مذهبی که به‌صورت جدایی‌گزینی فضایی میان مسلمانان و غیرمسلمانان بوده است	تمایز میان قشرهای مردم
- تغییر شکل روابط اجتماعی و کاسته شدن از اهمیت عواملی مانند حریمیت و خویشاوندی	- ایجاد قلمرو با هدف تأمین حریم برای اقلیت‌های دینی - پاتوق یا فضاهای مختص به حضور ساکنان محله به‌عنوان قلمروهای اختصاصی - برخورد با حضور افراد نامتعارف در محله	قلمرو، سلسله‌مراتب و حریم
- ایجاد خیابان‌کشی از میان محله‌ها بدون توجه به نظم فضایی محله‌ها و کاهش ارتباطات درون‌محله‌ای و درنهایت از دست دادن حس تعلق به محله	- حس تعلق به بزرگان دینی، سیاسی و ادبی محله خود - عنوان هم‌محله‌ای به ابراز تعلق و پیوند خود با محله - رقابت و خودنمایی بین محله‌های با هدف نمود توان و ظرفیت بیشتر و برتر هر محله نسبت به سایر محله‌ها	تمرکززدایی اجتماعی و کنترل محله
- کاهش ارتباطات فضایی بین ساکنان محله و در نتیجه کاهش میزان تعاون و فعالیت‌های اجتماعی - دخالت بیشتر دولت در سامان‌دهی مشکلات محله‌ها و کاهش نقش مردم	- رقابت و خودنمایی بین محله‌ها با هدف نمود توان و ظرفیت بیشتر و برتر هر محله نسبت به سایر محله‌ها - مرکز جنبش‌های سیاسی و مذهبی در مقاطع زمانی مختلف - حضور روحانیون در محله‌ها به‌عنوان عوامل انسجام و هدایت اهالی در فعالیت‌های جمعی و تعاون بین آن‌ها - حل مشکلات اجتماعی و کالبدی محله‌ها به‌وسیله ساکنان	تعاون، مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی

منبع: تکمیل همایون، ۱۳۹۵، ۱۳۹۳؛ ناصر بخت، ۱۳۹۶؛ حبیبی، ۱۳۸۴؛ لطفی و شعله، ۱۳۸۷؛ لطفی، ۱۳۸۶؛ تحصیل‌دار و فرناق، ۱۳۷۲؛ زندی و اشرفیان، ۱۳۶۴؛ رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶؛ خیرآبادی، ۱۳۷۶؛ جابری مقدم، ۱۳۸۴؛ اشرف، ۱۳۵۳؛ سلطان‌زاده، ۱۳۶۲

## عمل فضایی

عمل فضایی، فضای زیست‌شده را ساختار می‌بخشد و آن را بازتولید می‌کند. این بعد شامل کنش‌های انسانی در کوچه‌ها، گذرها، شبکه‌های تعاملی، بازار، قهوه‌خانه و میادین است که مردم و مکان‌ها را به هم متصل می‌سازد (طیبیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۸). عمل فضایی در شهر تهران قبل از مدرنیسم از لحاظ رفتاری تحت تأثیر چگونگی پیوند محله‌های شهری و گذرها با عناصر اصلی شهری یعنی بازار و مسجد جامع بود که از طریق ارتباط پیاده ساکنان فضای شهری اتفاق می‌افتاد. چنین الگوی رفتاری تحت تأثیر اندیشه‌های مذهبی بود که گذرها فقط محل عبور و مرور بودند و هیچ توقف و ایستادگی در میان نبود (پیران، ۱۳۷۶: ۲۷؛ ابادری و قلی‌پور، ۱۳۹۱: ۳۲). بازار و مسجد جامع علاوه بر نقش‌های تجاری و مذهبی، مکان شکل‌گیری تعاملات اجتماعی بودند. بازار به‌عنوان صحنه حضور نیروهای گوناگون، یک فضای شهری کامل محسوب می‌شد. حجره و تیمچه و راسته، محل حضور نیروهای اقتصادی بود و عناصری نظیر گرمابه، مسجد و مدرسه، بستری برای حضور نیروهای اجتماعی فراهم می‌کرد. بیشترین حجم اطلاعات و اخبار نیز در بازار مبادله می‌شد و کاملاً نقش یک شبکه پیچیده اجتماعی را داشت. همچنین جشن‌های ملی و مذهبی، عزاداری‌ها و مسابقات ورزشی و پهلوانی از جمله عمل فضایی مردم در بازار بوده است. ساکنان شهری با عمل فضایی خود معانی، تمایزات، تابوها، ممنوعیت‌ها و مجازها را بازتولید می‌کردند (ابادری و قلی‌پور، ۱۳۹۱: ۳۴)، اما چنان که در جدول ۴ مشاهده می‌شود با توجه به معیارهای عمل فضایی (Mehta, 2014؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷)، تغییرات زیادی نسبت به دوره قبل اتفاق افتاده است. کنش‌های فضایی در شهر مدرن کاملاً تغییر کرده و یک سردرگمی در بین شهروندان ایجاد شده است؛ زیرا هنوز فضای جدید برای کنش فضایی افراد غریبه هست و هماهنگی کمی بین عمل فضایی شهروندان و بازنمایی فضای دولتی وجود دارد. فضاهای بازنمایی شده جدید نیز هنوز نتوانسته است معانی نهفته خود را به ساکنان انتقال دهد.

جدول ۴. عمل فضایی در شهر سنتی و مدرن

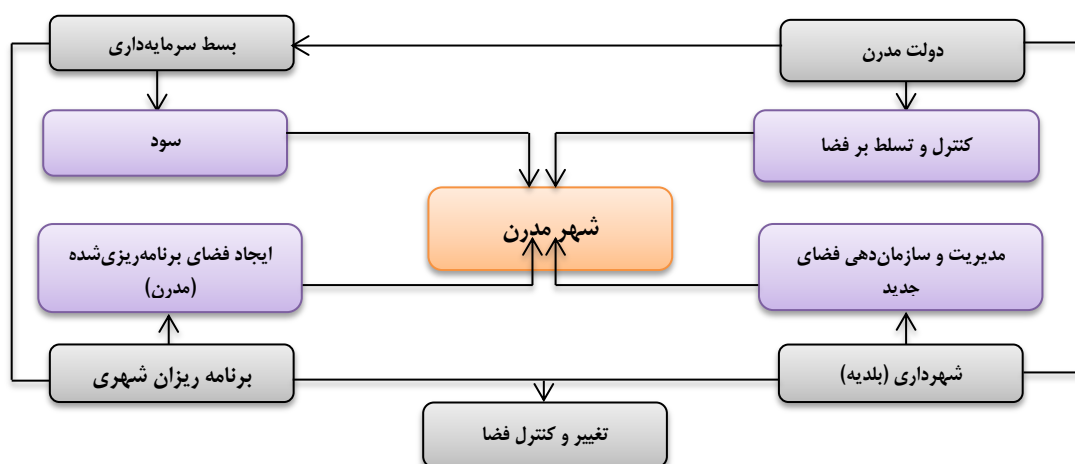
منبع	شهر سنتی	شهر مدرن (پهلوی اول)
معیارهای عمل فضایی	قالب‌بندی آمدوشدها سلسله‌مراتب فضایی نظارت بر آمدوشدها عرض اندک معابر نبود معبر در مقیاس شهری سلسله‌مراتب معابر و پیروی از سلسله‌مراتب فضایی تداوم مسیرهای پیاده اتکا به سیستم بی‌بست	دسته‌بندی نکردن آمدوشدها تضعیف سلسله‌مراتب فضایی نظارت نکردن بر آمدوشدها افزایش عرض معابر خیابان‌های طولانی استقلال سلسله‌مراتب معابر از سلسله‌مراتب فضایی نبود تعریف مشخص از مسیرهای پیاده سیستم باز شبکه خیابان‌ها
دسترسی‌ها	مشخص بودن مکان‌های توقف و گفت‌وگو	کاهش تدریجی مکان‌های توقف و گفت‌وگو با تضعیف سلسله‌مراتب فضایی
اجماع‌پذیری	بالا بودن نظارت اجتماعی بالا بودن مشارکت در فعالیت‌های در حال انجام در فضا	تضعیف سلسله‌مراتب فضایی و نظارت آمدوشدها و کاهش نظارت اجتماعی کاهش تدریجی میزان مشارکت در فعالیت‌ها با تضعیف سلسله‌مراتب فضایی

## ادامه جدول ۴. عمل فضایی در شهر سنتی و مدرن

منبع	شهر مدرن (پهلوی اول)	شهر سنتی	معیارهای عمل فضایی
	تضعیف یادمان‌ها و نشانه‌ها با مدرنیزاسیون شهری	وجود یادمان و نشانه‌های خاطره‌انگیز	لذت‌بخش بودن
پیربابایی و سجاذاده، ۱۳۹۰؛ حبیبی، ۱۳۸۴	شکل‌گیری عناصر جدید شهری بیگانه تضعیف سلسله‌مراتب فضایی و نظارت اجتماعی و کاهش احساس امنیت در محله‌ها	نبود عناصر دلسردکننده در فضا احساس امنیت در فضا	
پیربابایی و سجاذاده، ۱۳۹۰؛ غروی الخوانساری، ۱۳۹۳؛ اقوامی مقدم، ۱۳۷۸؛ پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۰؛ غروی الخوانساری، ۱۳۹۳	جایگزینی تدریجی مقیاس ماشینی به‌جای مقیاس انسانی اختلاط نسبی کاربری‌ها و گسترش تدریجی امور تجاری به خیابان‌ها شروع تدریجی واگرایی بین‌فرهنگی سنتی و الگوی مسکن و محله نبود تعریف هسته خدماتی مشخص برای محله تک‌کارکردی شدن بناهای محلی	مقیاس انسانی در ساختار کاربری‌ها و فعالیت‌ها تمایز بالنسبه کامل کاربری‌ها با یکدیگر تطابق کامل فرهنگ سنتی زندگی و الگوی مسکن و محله تک‌هسته‌ای بودن مراکز محله‌ها استفاده چند کارکردی از بناهای مراکز محله	کاربری و فعالیت‌ها
اعتماد، ۱۳۹۱؛ شهری، ۱۳۶۷	شکل‌گیری خیابان‌ها و افزایش حضور برای تمام سنین جامعه	پایین بودن تنوع سنی به دلیل محدودیت حضور در فضاهای عمومی (مسجد، بازار، قهوه‌خانه، حمام عمومی و غیره)	
اعتماد، ۱۳۹۱؛ شهری، ۱۳۶۷؛ رشیدی و ملک‌حسینی، ۱۳۹۳	ممکن شدن حضور فعال قشر جدید از زنان طبقه متوسط در خیابان‌ها و سینما، تئاتر، دانشگاه و غیره	غیرممکن بودن حضور زنان در فضاهای مردانه مانند قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها و حضور کمرنگ در مساجد، دارالحکومه و غیره.	شمولیت
اعتماد، ۱۳۹۱؛ شهری، ۱۳۶۷؛ رشیدی و ملک‌حسینی، ۱۳۹۳	شکل‌گیری فضاهای جدید مانند سینما، تئاتر، دانشگاه و پارک‌ها و کاهش جداسازی جنسیتی و افزایش تعاملات	شدت اعمال تفکیک و جداسازی تعامل میان زنان و مردان (جنسیتی، سنی و عملکردی)	

در دوره پهلوی اول با بازنمایی فضایی فضا و حذف عناصر اصلی تشکیل‌دهنده ساختار فضایی شهر، نظام فضایی شهر تهران دچار شکافی عظیم بین فضای گذشته، حال و آینده می‌شود. فضای گذشته و زیسته‌شده، در تمایز و تقابل با فضای در حال ساخت و شکل‌گیری مدرنیستی قرار می‌گیرد. عناصر قدیم و جدید برای حضور در فضای شهری به‌دنبال حذف یکدیگر هستند. با توجه به دیدگاه هوسمانی در دولت آن دوره، با گذشت زمان عناصر قدیم (ارگ، کاخ‌های شاهی، بازار و مسجد جامع) هم به‌صورت کالبدی (مادی) و هم به‌صورت کارکردی نسبت به دوره‌های قبل کم‌اهمیت‌تر شدند و عناصر مدرن (خیابان‌های تجاری، دانشگاه، بانک، سینما و غیره) به‌تدریج جایگزین آن‌ها شدند (حبیبی، ۱۳۷۴: ۱۶۲). در واقع دولت به‌دنبال کنترل بر هر سه بعد فضا بود تا با بازنمایی فضا و تأثیرگذاری بر فضای بازنمایی‌شده و عمل فضایی به اهداف خود برسد.

شهر مدرن حاصل از این تحولات، شهری است که به‌لحاظ فضایی و اجتماعی به پاره‌های مجزا (محل کار، استراحت، تفریح و رفت‌وآمد) تقسیم شده است. فضاهای شهری مخلوق آن از نظر شکل و ساختار فیزیکی منظم‌تر شد، ولی از لحاظ اجتماعی و معنوی بی‌معنا شدند. این همان شروع شکافی بود که بین فرم فضایی (عمل فضایی) و ساختار فضایی (بازنمایی فضا) و تولید اجتماعی (فضای بازنمایی‌شده) در شهر مدرن ایجاد شد که نتیجه آن، کمرنگ‌تر شدن و فراموشی فضای شهر سنتی بود. فضای جدید با رنگ و بوی مدرنیستی و اندیشه مدرنیته شکل گرفت. دولت با اندیشه هوسمانیسم به‌منظور کنترل فضا و هدایت سرمایه‌گذاری گسترده و بلندمدت به‌سوی محیط ساخته‌شده برای تولید صنعتی، مصرف جمعی، گردش کالا، حمل‌ونقل و ارتباطات به خلق محیط جدید دست می‌زند و فضای شهری جدیدی خلق می‌کند که روایتگر شیوه تولید جدید یعنی سرمایه‌داری است.



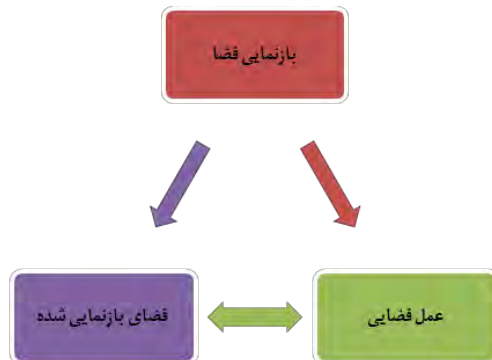
شکل ۳. مرحله اول تولید فضایی شهر (تغییر فضا)

### دوره دوم: انباشت سرمایه و حذف موانع فضایی

در دوره دوم، دولت از طریق طرح‌های بزرگ‌مقیاس به دنبال توسعه فضایی کل کشور است. شهرها دوباره مهم‌ترین ابزار دولت برای رسیدن به این هدف هستند. مسیر چنین توسعه‌ای انباشت سرمایه و ایجاد جغرافیای نامتوازن از طریق قطب رشد بود؛ به‌ویژه در پایتخت، میزان سرمایه‌گذاری و ایجاد صنایع سنگین و مونتاژ به‌صورت تصاعدی افزایش می‌یابد. تشکیل سازمان برنامه و هیئت عالی در سال ۱۳۲۷ اولین حرکت در این زمینه است. سیاست قطبی کردن فعالیت‌ها و تشکیل قطب‌های توسعه، محور اصلی این برنامه است و پایتخت به‌عنوان قطب اصلی فعالیت‌ها، فعالیت‌های عمرانی دولت و مؤسسات خصوصی را در خود متمرکز می‌کند. نتیجه این برنامه، توسعه شتابان شهر تهران بود. الگوی تهران تعریف جدیدی از شهر و گسترش آن را مطرح کرد که به‌وسیله دانش‌آموختگان سبک معماری بین‌المللی عملیاتی شد و فضای شهر جدید مبتنی بر تعدادی خیابان و ساختمان متأثر از نوعی منطقه‌بندی عملکردی بود. شهر نه به‌عنوان تبلور کالبدی-فضایی، سازمان و تشکیلات اقتصادی-سیاسی و اجتماعی-فرهنگی، بلکه به‌عنوان تصویری از تصویری مجرد و فردی، متأثر از ذهن معمار یا مهندس مطرح می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۴: ۱۹۱). در واقع در تولید فضای شهری، بازنمایی فضا به‌وسیله معماران تعیین می‌شود. فضای بازنمایی‌شده (تولید اجتماعی) و عمل فضایی (شکل) تحت تأثیر بازنمایی فضا (ساختار) قرار می‌گیرند. شهر ترکیبی از مجموعه‌های بسیار پراکنده و نامنسجم با منظری ناآشنا در ارتباط با مفاهیم کهن، و معماری دگرگون‌شده در رابطه با شیوه‌های زیست مرسوم می‌شود.

برنامه‌ریزی شهری با حذف موانع فضایی، مزیت تجمع و تمرکز، به‌دنبال بیشترین سودآوری در کمترین زمان است و هدف آن، افزایش سرعت چرخش سرمایه در فضای شهری است. در نتیجه چنین فرایندی فضا دگرگون می‌شود و انباشت سرمایه در پایتخت با سرعت بیشتری صورت می‌گیرد. این روند موجب شکل‌گیری مرکز و پیرامون و تباین‌های فضایی در سطح شهر تهران می‌شود. نتیجه چنین فرایندی، تشدید تراکم و تمرکز و انباشت سرمایه در فضا می‌شود، با توجه به سطوح و نوع مدیریت در حکومت محلی (شهرداری) این نوع فرایند، آثار خود را به‌صورت مشکلات خدمات‌رسانی، توسعه متفاوت مناطق شهری، آلودگی هوا، ترافیک سنگین و غیره نشان می‌دهد. اقدامات دولت و نهادهای ذی‌ربط، فضای شهر

را برای تغییر بیشتر و استحاله گذشته آن در آینده آماده می‌کند. شهر با گذر زمان، گذشته خود را فراموش می‌کند و تبدیل به فضای زیستی می‌شود که برای اولین بار شهروندان آن را تجربه می‌کنند.

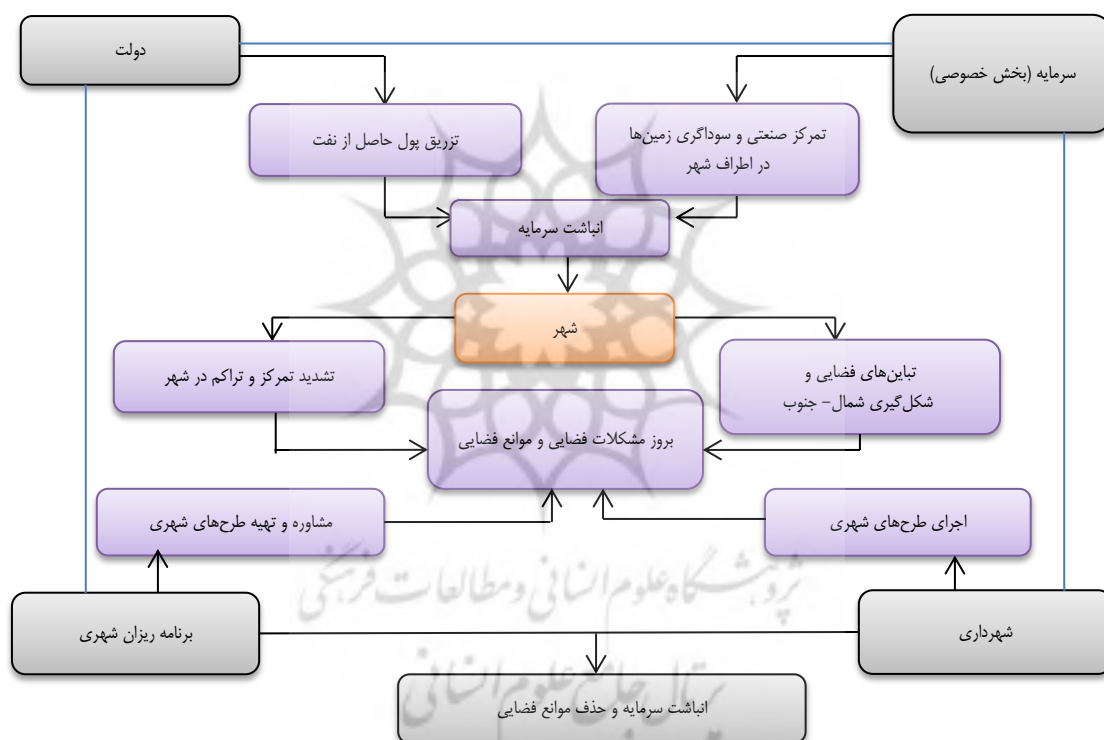


شکل ۴. روابط ابعاد تولید فضا در پهلوی دوم

جدول ۵. بازنمایی فضا، فضای بازنمایی شده و عمل فضایی در پهلوی دوم

عمل فضایی	فضای بازنمایی شده	بازنمایی فضا
<ul style="list-style-type: none"> <li>- کاهش دسترسی پیاده به فضا با تضعیف بیشتر سلسله مراتب شهری و اتومبیل محور شدن فضا</li> <li>- دسته بندی نکردن آلوده‌ها</li> <li>- افزایش کمی معابر و خیابان‌های اتومبیل محور</li> <li>- حذف تدریجی مکان‌های توقف و گفت‌وگویی پیاده‌محور</li> <li>- کاهش نظارت اجتماعی با جابه‌جایی‌های زیاد ساکنان در شهر</li> <li>- کاهش مشارکت در فعالیت‌های در حال انجام در فضا نسبت به دوره قبل</li> <li>- کم عمق بودن گفت‌وگویی افراد و کاهش حس تعلق مکانی</li> <li>- اختلاط بیشتر کاربری‌ها و گسترش بیشتر امور تجاری به خیابان‌ها</li> <li>- حذف کامل سازمان فضایی سنتی محله‌ها</li> <li>- تضعیف نظارت اجتماعی و حس امنیت در فضا</li> <li>- کاهش انعطاف‌پذیری فضا برای پاسخ به نیازهای مختلف کاربران با تک‌کارکردی شدن فضا</li> <li>- کاهش حمایت فضا از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی</li> <li>- متناسب نبودن طراحی و معماری فضا برای فعالیت‌های مختلف</li> <li>- به تعادل رسیدن نسبت زنان به مردان</li> <li>- حضور فعال زنان از قشرهای مختلف در خیابان‌ها و سینما، تئاتر، دانشگاه و پارک‌ها و غیره.</li> <li>- استفاده بیشتر از فضاهای جدید مانند سینما، تئاتر، دانشگاه و پارک‌ها و کاهش جداسازی جنسیتی و افزایش تعاملات</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- شکل‌گیری تباین‌ها و تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی با تبلوری کالبدی و رخساره‌ای فضایی</li> <li>- شکل‌گیری فضاهای جدید جمعی نظیر نمایشگاه بین‌المللی، اردوگاه منظریه، ورزشگاه آزادی، پارک‌های بزرگ درون شهری و برون شهری</li> <li>- شکل‌گیری محله‌های مرفه‌نشین، اعیانی، دولتمند در مقابل محله‌های فقیرنشین، مستمند و بی‌دولت</li> <li>- ایجاد مراکز جدید شهری در فواصل دورتر از مراکز تاریخی تهران در پیرامون گره‌گاه‌ها و میدان‌های نو پا مانند میدان امام حسین، میدان انقلاب، میدان راه‌آهن، میدان ونک، میدان صادقیه، میدان صنعت، حوض نارمک، میدان آزادی</li> <li>- از میان رفتن ساختار فضایی و اجتماعی محله‌های کهن شهری و جایگزین‌شده خیابان‌های شطرنجی</li> <li>- حذف کامل نهادهای سنتی و مردمی در محله‌های شهری و جایگزین شدن دولت به‌جای مردم</li> <li>- شکل‌گیری و توسعه بافت‌های خودروی پیرامون مجموعه‌های بزرگ صنعتی-ساخت شهرک‌های متعدد از جمله شهرک اکباتان، آپادانا</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تصویب لایحه قانونی تشکیل شهرداری و انجمن شهر</li> <li>- قانون ایجاد جاده سوم بین تهران و شمیران</li> <li>- تصویب قانون منع تصرف زمین‌های دولتی، اوقاف و موات در فاصله ۱۰ کیلومتری</li> <li>- قانون تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های شهرسازی و خانه‌سازی</li> <li>- شروع طرح‌های جامع شهری و قانون تملک آپارتمان‌ها</li> <li>- تصویب طرح جامع تهران (۱۳۴۷)</li> <li>- قانون نظارت بر گسترش تهران</li> <li>- آئین‌نامه استفاده از اراضی در خارج از محدوده‌ها و حریم شهرها</li> <li>- قطعه‌بندی‌های املاک خالصه و واگذاری آن‌ها به کارمندان و قطعه‌بندی‌های کوچک در جنوب برای توده مردم</li> </ul>
<p>منبع: اقوامی مقدم، ۱۳۷۸؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰؛ اعتماد، ۱۳۹۰؛ میرمقتدایی، ۱۳۸۴، غروی الخوانساری، ۱۳۹۳.</p>	<p>منبع: پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰؛ حبیبی، ۱۳۸۴؛ منوچهری و رهنمایی، ۱۳۹۸؛ خلیلی عراقی، ۱۳۶۶؛ رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶؛ میرمقتدایی، ۱۳۸۴؛ زندی و اشرفیان، ۱۳۶۴</p>	<p>منبع: حبیبی، ۱۳۸۴؛ دهاقانی، ۱۳۸۵؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰؛ اقوامی مقدم، ۱۳۷۸؛ زیاری و یوسفی، ۱۳۸۲.</p>

دولت با سرمایه‌گذاری در فضای شهری جدید سبب افزایش انباشت سرمایه و به تبع افزایش تراکم و تمرکز شدید در شهر تهران می‌شود. با افزایش تراکم و تمرکز، نیاز به حذف موانع فضایی برای سرمایه بیشتر احساس می‌شود. در نتیجه قوانینی را در این راستا تصویب می‌کنند. این قوانین پشتوانه نهادهای ذیربط به‌ویژه حکومت محلی (شهرداری) و برنامه‌ریزان شهری می‌شود تا با اجرای طرح‌ها بتوانند مشکلات به‌وجودآمده را برطرف کنند. به عبارتی می‌توان گفت که فلسفه اصلی نهادهایی مانند شهرداری و مشاوران برنامه‌ریزی شهری در این مقطع از زمان، بیشتر برای رفع موانع فضایی ایجادشده برای دولت و سرمایه بوده است؛ چرا که این نهادها قوانین مصوب دولت را اجرایی می‌کنند و پشتیبان مادی و معنوی این نهادها نیز خود دولت است. در نتیجه این نهادها بیشتر کمک‌کننده به دولت بودند تا فضای شهری را به دلخواه دولت و سرمایه برنامه‌ریزی کنند. به‌طور کلی هدف از بازنمایی فضا به‌ویژه بعد از دهه ۱۳۴۰، مدیریت فضا برای انباشت سرمایه و حذف موانع فضایی در سطح کلان و خرد بوده است.



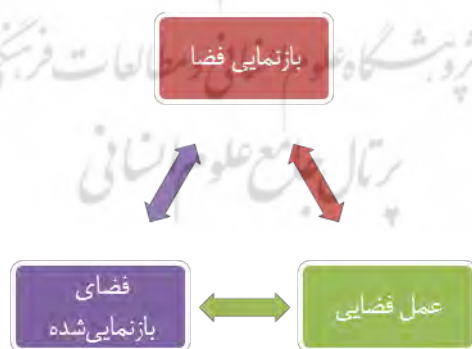
شکل ۵. مرحله دوم تولید فضایی شهر (انباشت سرمایه و حذف موانع فضایی)

### دوره سوم: بورژوازی مستغلات و فروش فضا

با وقوع انقلاب اسلامی، رویکرد حل مشکلات شهری به‌ویژه تأمین مسکن نسبت به دوره قبل تغییر کرد. در این دوره تفکرات آرمان‌گرایانه‌ای به‌وجود آمد؛ برای مثال، مسئولان وقت به این نتیجه رسیدند که با دادن زمین در اطراف شهر می‌توان همه مردم را صاحب مسکن کرد. نتیجه چنین تفکری این شد که شهر تهران به‌صورت افقی گسترش یابد. بیشتر قوانین نیز برای تأمین مسکن شهروندان تصویب شد. از طرفی سرعت تحولات شهری به دلیل افزایش نرخ رشد شهرنشینی، دخالت دولت از اعمال حاکمیت به اعمال تصدی و رشد کارکنان خدمات عمومی و دولتی بیشتر شد. همه



این اتفاقات سبب شد که مسکن به‌عنوان مهم‌ترین نیاز شهروندان مطرح شود. بورژوازی مستغلات که پیش از انقلاب عمدتاً خصلت صنعتی یافت و پس از انقلاب برای یک دهه با قانون زمین‌شهری از میدان به‌در رفت، از این فرصت استفاده کرد و با تراکم‌فروشی از اواخر دهه ۱۳۶۰، در هیئت یک سوداگر از انزوا بیرون آمد. ناتوانی در هدایت بورژوازی مستغلات به مدار مولد، به‌تدریج نهادهای شهرسازی و مسکن را کژکار کرد. دولت در سال ۱۳۶۸ تصمیم گرفت شهرداری‌های شهرهای بزرگ را خودکفا کند. از این‌رو دولت برای کسب درآمد، به آن‌ها اجازه فروش تراکم ساختمانی داد، مازاد بر آنچه که در طرح‌های جامع و تفصیلی تعیین شده بود. به عبارت دیگر، دولت به دست خود شهر را به ارزش مبادله تبدیل کرد. در آن زمان (۱۳۶۸) بورژوازی مستغلات تقریباً وجود نداشت و ساخت‌وساز صنعتی ساختمان (اکباتان، آتی‌ساز و شهرک غرب) به‌وسیله شرکت‌های وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی انجام می‌پذیرفت. آمار بانک مرکزی نیز نشان می‌دهد سهم تولید مسکن برای فروش از کل تولید آن، به‌وسیله بخش خصوصی به ۵ درصد کاهش یافته بود. درواقع شورای عالی شهرسازی و معماری ایران دست شهرداری‌ها را برای تبدیل ارزش مصرفی شهر به ارزش مبادله باز گذاشت. در سال ۱۳۶۹ تحت عنوان «ضوابط و مقررات افزایش تراکم و بلندمرتبه‌سازی، ناگهان اجازه داد تا تراکم‌فروشی ۲۵ درصد افزایش یابد (اطهاری، ۱۳۸۷: ۴۷). قانون خودکفایی شهرداری‌ها و افزایش تراکم، مکمل همدیگر بودند تا فضای مصرفی به مبادله‌ای تبدیل شود. این کار به‌وسیله بورژوازی مستغلات انجام می‌شد. از این پس، کمیون ماده ۵ که پیش از این در حد طرح تفصیلی اختیار تصویب داشت، دارای اختیار تقریباً نامحدودی برای تغییر طرح جامع نیز شد. بدین‌ترتیب بورژوازی مستغلات برای چانه‌زنی با شهرداری‌ها به‌منظور مبادله شهر باز شد. پیش از آن از بورژوازی مستغلات برای خارج‌شدن از رکود کل اقتصاد (۱۳۷۶-۱۳۷۸) استفاده می‌شد. در نتیجه دست بورژوازی مستغلات باز گذاشته شد و شهر در اختیار آن‌ها قرار گرفت. انواع یارانه‌ها و بخشایش مالیاتی به ساختمان‌های سه طبقه به بالا تعلق گرفت و بهشتی را برای بورژوازی مستغلات به‌وجود آورد.



شکل ۶. روابط ابعاد تولید فضا بعد انقلاب اسلامی

تفکیک بی‌برنامه و بی‌رویه زمین در اطراف شهرها به‌خصوص در شهر تهران سبب افزایش جمعیت شهری شد. با افزایش جمعیت شهری و نیاز به مسکن، قدرت بورژوازی مستغلات بیشتر شد. در این دوره «شهر-مصرف» به «شهر-کالا» تبدیل می‌شود. درواقع شهر تهران به یک کالای ارزشمند تبدیل شده است که هم به‌صورت افقی و هم به‌صورت عمودی به فروش می‌رسد. سیاست‌های دولت بر مبنای تولید فضای دولتی در این دوره کامل می‌شود. شهر تهران به‌صورت

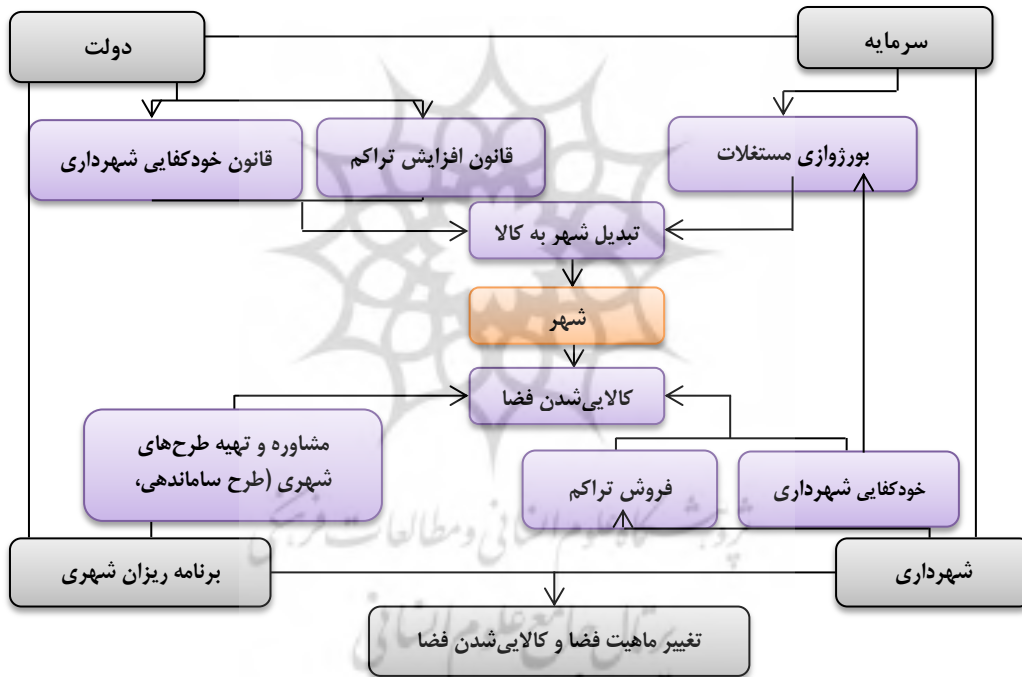
موزائیکی و قطعه‌قطعه به مناطق خوب و بد تقسیم می‌شود و ساکنان نیز به‌اجبار در هریک از این قطعه‌ها براساس توپوگرافی درآمد ساکن می‌شوند و به جریان انباشت سرمایه کمک می‌کنند. در واقع فضای تولیدشده تمام شرایط تولید سرمایه را در شهر فراهم کرده است. دولت تا سال ۱۳۶۷ درصدی از هزینه‌های شهرداری را پرداخت می‌کرد، اما از دهه ۱۳۷۰ با طرح خودکفایی شهرداری‌ها میزان وابستگی شهرداری به دولت کمتر شد. شهرها برای تأمین هزینه‌ها باید جانشین بهتری پیدا می‌کردند. شهرداری درآمد حاصل از فروش فضا را جایگزین درآمدهای دولتی کرد. بدین طریق همکاری بین شهرداری و بورژوازی مستغلات به‌صورت هماهنگ شروع می‌شود. در ازای فروش فضا و تبدیل آن به سرمایه، درصد زیادی از سود حاصل از آن نصیب شهرداری می‌شود که بیش از ۹۰ درصد درآمد شهرداری از این طریق تأمین می‌شود.

جدول ۶. بازنمایی فضا، فضای بازنمایی شده و عمل فضایی بعد انقلاب اسلامی

بازنمایی فضا	فضای بازنمایی شده	عمل فضایی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری</li> <li>- طرح سامان‌دهی شهر تهران</li> <li>- قانون خودکفایی مالی شهرداری‌ها و استقلال مالی شهرداری‌ها</li> <li>- قانون افزایش تراکم و بلندمرتبه‌سازی</li> <li>- طرح جامع تهران (راهبردی-ساختاری)</li> <li>- طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف</li> <li>- منشور علمی شهرداری تهران</li> <li>- تفکیک بی‌برنامه و بی‌رویه زمین به‌وسیله نهادهای انقلابی و واگذاری آن به متقاضیان مسکن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تشدید تباین‌ها و تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی</li> <li>- توسعه ناپیوسته و پیرامونی به شکل غالب در توسعه فضایی تهران</li> <li>- تشدید شکاف بین محله‌ها مرفه‌نشین، اعیانی، دولتمند در مقابل محله‌های فقیرنشین، مستمند و بی‌دولت</li> <li>- حذف کامل نهادهای سنتی و مردمی در محله‌ها شهری و جایگزین شدن دولت به‌جای مردم</li> <li>- رشد حاشیه‌نشینی و تشدید روند تخریب باغات و زمین‌های کشاورزی</li> <li>- گسترش و استقرار صنایع غیرمجاز در اطراف تهران،</li> <li>- تبدیل کل شهر برای کل ساکنان و فعالان در آن به یک «کالایی عمومی»</li> <li>- توسعه روستاهای قدیمی و پیدایش اقمار و قطب‌های جمعیتی اطراف شهری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- دسترسی نداشتن آسان به فضاهای پیاده‌محور</li> <li>- نامناسب شدن راه‌ها و مسیرهای دسترسی موجود در فضا</li> <li>- نبود پیوستگی بین فضا و بافت مسکونی</li> <li>- حذف تدریجی مکان‌های توقف و گفت‌وگو و فضاهای عمومی</li> <li>- نبود نظارت اجتماعی با از بین رفتن سازمان فضایی محله‌های شهر</li> <li>- کاهش مشارکت در فعالیت‌های درحال انجام در فضا با کاهش سرمایه اجتماعی</li> <li>- نبود گفت‌وگوی افراد در فضا</li> <li>- کاهش استفاده از فضا</li> <li>- کاهش محبوبیت فضا برای قرار ملاقات با دوستان و آشنایان</li> <li>- بی‌توجهی به یادمان و نشانه‌های خاطره‌انگیز</li> <li>- افزایش عناصر دل‌سردکننده در فضا</li> <li>- کاهش امنیت در فضا</li> <li>- نبود انعطاف‌پذیری فضا برای پاسخ به نیازهای مختلف کاربران</li> <li>- عدم حمایت فضا از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی</li> <li>- تناسب نداشتن طراحی و معماری فضا برای فعالیت‌های مختلف</li> <li>- به‌تعادل رسیدن نسبت زنان به مردان</li> <li>- حضور فعال زنان از قشرهای مختلف در خیابان‌ها و سینما، تئاتر، دانشگاه و پارک‌ها و غیره.</li> <li>- استفاده بیشتر از فضاهای جدید مانند سینما، تئاتر، دانشگاه و پارک‌ها و کاهش جداسازی جنسیتی و افزایش تعاملات</li> <li>- افزایش فاصله زیاد بین محل کار و محل زندگی</li> </ul>
منبع: حبیبی، ۱۳۸۴؛ دهاقانی، ۱۳۸۵؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰؛ اقوامی‌مقدم، ۱۳۷۸؛ غروی الخوانساری، ۱۳۹۳؛ اعتماد، ۱۳۹۰؛ میرمقتدایی، ۱۳۸۴؛ زندی و اشرفیان، ۱۳۶۴	منبع: پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰؛ حبیبی، ۱۳۸۴؛ منوچهری و رهنمایی، ۱۳۹۸؛ خلیلی عراقی، ۱۳۶۶؛ رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶؛ میرمقتدایی، ۱۳۸۴؛ زندی و اشرفیان، ۱۳۶۴	منبع: حبیبی، ۱۳۸۴؛ دهاقانی، ۱۳۸۵؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰؛ اقوامی‌مقدم، ۱۳۷۸؛ زیاری و یوسفی، ۱۳۸۲

دولت با تصویب قوانین جدید یعنی خودکفایی شهرداری‌ها و افزایش تراکم، فرایند افزایش انباشت سرمایه در مستغلات را تسریع کرد و به‌تبع افزایش سرمایه در این بخش از اقتصاد، میزان سود و ارزش افزوده نیز بیشتر شد. در نتیجه زمین و مسکن به یک فضای کمیاب در شهر تهران تبدیل شدند. به‌دلیل تمرکز حدود ۵۰ درصد سرمایه کشور در شهر تهران، میزان ورود مهاجران جویای کار نیز سال‌به‌سال بیشتر می‌شد و تمام این روندها در کمیابی فضا در شهر تهران تأثیر زیادی داشت. دولت و بخش خصوصی نیز از این شرایط به شیوه خود استفاده کردند. بیشترین میزان سرمایه‌گذاری بعد از دهه هفتاد در بخش مستغلات اتفاق افتاد؛ چرا که موانع فضایی برای کسب سود بیشتر در این بخش برداشته شده بود. بازگشت سود به کمترین زمان رسیده بود و دولت نیز با ایجاد بزرگراه‌ها و اتوبان‌ها در داخل و کمربندی‌های شهر به

این فرایند کمک می‌کرد. در نتیجه شهر تهران از یک شهر-مصرف به شهر-کالا تبدیل شد. این شهر نمادی از سیاست‌های نئولیبرالی است که فضا را نه برای مصرف، بلکه برای مبادله آماده کرده است. در مرحله بعدی، نقش حکومت محلی (شهرداری) در این فرایند پررنگ است. شهرداری برای جبران کسری بودجه که از طرف دولت دیگر تأمین نمی‌شود، آسان‌ترین و سودده‌ترین راه انتخاب و از قوانین فروش تراکم استفاده می‌کند؛ به طوری که بیش از ۹۰ درصد درآمدهای شهرداری تهران از محل فروش تراکم تأمین می‌شود. در مرحله آخر نیز برنامه‌ریزان شهر و مشاوران معماری و شهرسازی قرار دارند که باید طرح‌هایی برای بهبود سازمان فضایی شهر تهیه کنند، اما این طرح‌ها به وسیله عوامل ذکر شده قبلی باید تصویب و اجرا شود و خود این برنامه‌ریزان و مشاوران برای ادامه حیات به آن‌ها نیاز دارند. در نتیجه طرح‌ها نیز با سیاست‌ها و قوانین تصویب شده همخوانی دارند و هر کدام از این چهار عامل یعنی دولت، سرمایه، شهرداری و مشاوران برنامه‌ریزی شهری در فرایند تبدیل فضا به کالا و فروش فضا برای انباشت بیشتر سرمایه در شهر نقش دارند. این فرایند طی یک سده اتفاق افتاده است.



شکل ۷. فرایند سوم توسعه فضایی شهر (کالایی شدن فضا)

آنچه از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت این است که با ظهور دولت مدرن فرایند تولید فضا در ایران تغییر کرد؛ چرا که تولید فضا تا قبل از دولت مدرن، براساس مناسبات اجتماعی و فرهنگی مردم در طول زمان شکل گرفت و سرعت تغییر فضا بسیار کند بود. در نتیجه فضای تولید شده کاملاً درک شد و برای شهروندان با حس رضایت و بدون استرس قابل زیست بود، اما دولت مدرن با استفاده از مکانیسم تغییر شیوه تولید، از شیوه سرمایه‌داری بهره‌بری به شیوه دولتی دست به تغییر و تولید فضای جدید زد. نتیجه آن تحولاتی است که در ابعاد اجتماعی-فرهنگی، نوسازی، سبک زندگی و اقتصادی اتفاق می‌افتد و موجب تغییر فضا در این صدسال اخیر می‌شود. در دوره اول، بسترهای لازم برای تغییر فضا فراهم شد و دولت با استفاده از منابع مالی

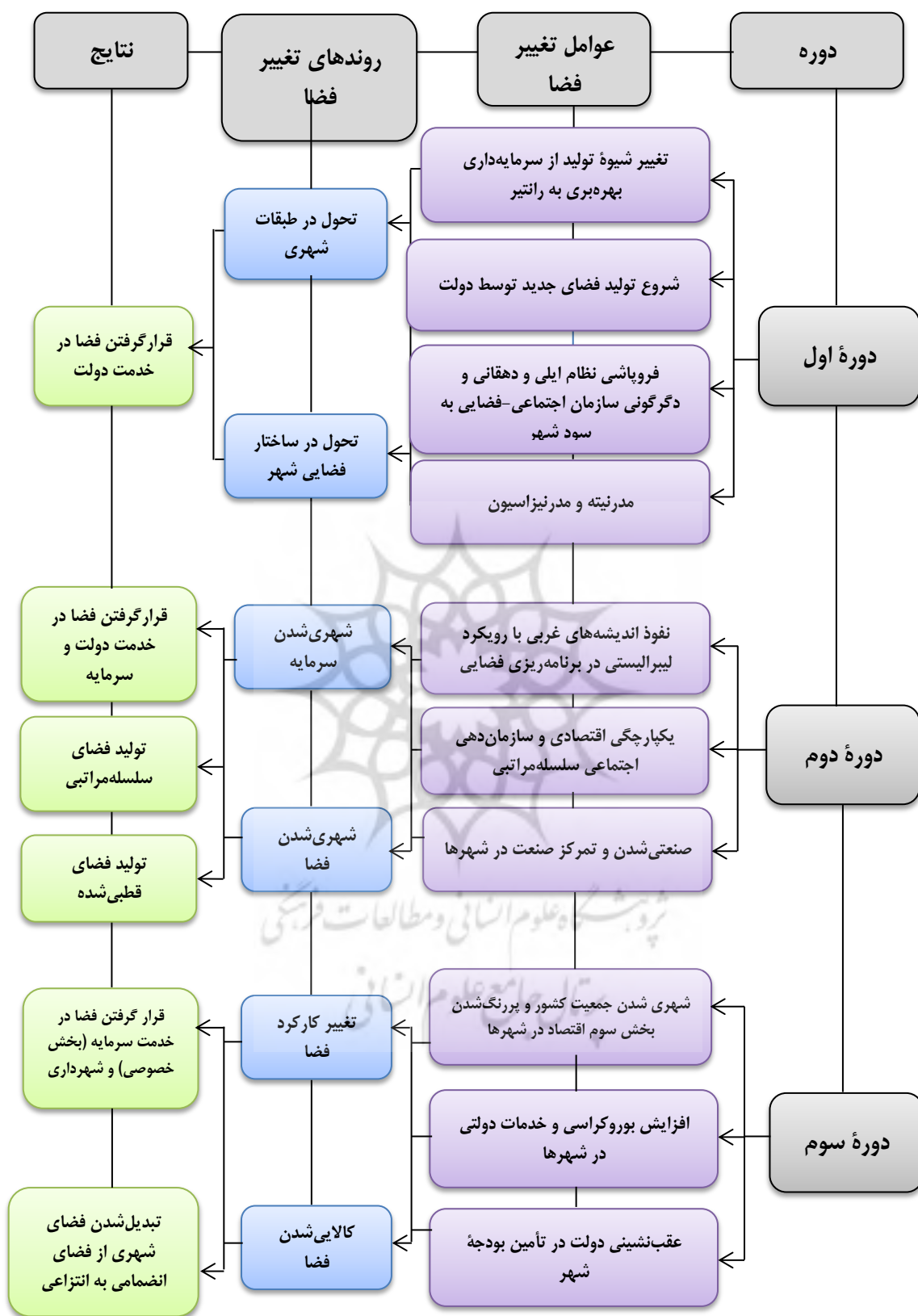
و فکری آن زمان به تقلید از غرب و با رویکرد هوسمانیسم شروع به تغییر فضا کرد. تغییر فیزیکی شهرها به‌ویژه از کلان‌شهر تهران شروع شد که هدف آن، ایجاد چشم‌انداز مدرن در شهرها و حذف مفاهیم و چشم‌اندازهای سنتی بود. در بعد ذهنی نیز با ایجاد نهادهای جدید نظیر دانشگاه و سینما، هدف ایجاد روشنفکری مانند غرب بود و مفاهیم سنتی و دینی مانع توسعه و پیشرفت مدرنیته به‌شمار می‌رفت. به‌عبارتی زیربنای تغییر و تولید فضای شهری جدید در دوره اول ایجاد شد. ایجاد تغییر و تولید فضا در این دوره بسیار خشک، خشن و زمخت بود؛ چرا که تغییر در شهری اتفاق می‌افتاد که به‌لحاظ فیزیکی آسان‌تر و به‌لحاظ ذهنی و روحی خیلی سخت بود. در نتیجه یک فضای بی‌روح و بیگانه از اجتماع در حال تولید بود که دو بعد فضا یعنی بازنمایی فضا و عمل فضایی هیچ نقشی در آن نداشتند. در دوره دوم با توجه به اقدامات و قوانین تصویب‌شده، سیاست دولت فراهم‌سازی شرایط برای انباشت سرمایه در شهرها به‌ویژه پایتخت بود. در نتیجه این سیاست‌ها، سرمایه به‌سمت شهر حرکت و به شهری‌شدن تمایل پیدا کرد. سیاست‌های کلان‌کشوری نظیر اصلاحات سفید و ارضی، تعداد زیادی از جمعیت را به‌سمت شهرها به‌ویژه شهر تهران روانه کرد. تمام این سیاست‌ها به نفع شهرها و به ضرر روستاها تمام شد و شهر تهران بیشترین تغییر و تحول را در فضای دید. در دوره دوم بیشتر اقدامات منتهی به انباشت سرمایه و کاهش موانع فضایی در شهر تهران شد. سرانه خیابان‌ها، بزرگراه‌ها و اتوبان‌ها به‌شدت افزایش یافت و پول نفت به شهرک‌های صنعتی و مسکونی در اطراف شهر تبدیل شد. در واقع دولت به تقلید از غرب، شرایط بسط سرمایه‌داری را ایجاد کرد. دولت از یک‌سو پتانسیل شکل‌گیری طبقه بورژوازی را در شهرها به‌ویژه شهر تهران بسترسازی و از یک‌سوی دیگر با سیاست‌های کلان‌سرزمینی نیروی کار لازم را تحت عنوان طبقه پرولتاریا در شهرها فراهم کرد. همچنین موانع فضایی را در شهرها به‌ویژه شهر تهران، با استفاده از قدرت مالی نفتی حذف کرد. تمامی این اقدامات سبب تغییر چهره فیزیکی شهرها شد و نسبت به دوره قبلی از لحاظ ذهنی بخشی از شهروندان نسبت به این تغییرات فضایی نگاه مثبت‌تری داشتند. در این دوره، ظاهر شهر بیشتر شبیه شهرهای مدرن غربی شده بود و تمامی مفاهیم اسلامی-ایرانی از میان رفت. در دوره سوم با توجه به سیاست‌های حضورنداشتن دولت در سازمان‌دهی شهر و خودکفایی شهرداری‌ها و افزایش تراکم، دولت شهر را به بخش خصوصی و شهرداری سپرد. در نتیجه بین شهرداری و بخش خصوصی توافقی صورت گرفت که سرمایه‌نیازهای مالی شهرداری را تأمین کند و شهرداری بستر مناسب را به‌منظور سودآوری و انباشت سرمایه فراهم سازد. با توجه به اینکه در دوره‌های اول و دوم ماهیت فضا تغییر کرده بود، این تغییر ماهیت فضا موجب شد سرمایه کنترل و تولید فضا را برعهده بگیرد و به‌عنوان مرکز فرماندهی، نیروها و اجتماعات متضاد را به‌صورت دیالکتیکی در کنار هم جمع کند. در جهت سود بیشتر سرمایه فضایی را درست کرد که سبب شد شهر به کالا تبدیل و ارزش مبادله‌ای آن از ارزش مصرفی بیشتر شود. از این به بعد شهر یک بنگاه اقتصادی است که هدف آن تولید سود و انباشت سرمایه است. نتیجه این سه دوره، تغییر فضا به ضرر شهروندان و به نفع سرمایه و شهرداری است؛ به‌طوری‌که بسیاری از شهروندان مجبور هستند شهر تهران را به مقصد حاشیه‌ها ترک کنند؛ چرا که فضای جدید نیاز به طبقه‌ای دارد که بتواند در تولید و انباشت سرمایه شهر نقش مؤثری داشته باشد.

روندها و نتایج تغییر فضا در شکل ۸ نمایش داده شده است. در یک بخش مهم‌ترین عوامل تغییر فضا آمده است. این عوامل موجب شکل‌گیری روندهایی شد که ماهیت فضا را به‌صورت تدریجی در گذر زمان تغییر داد. این فضا به‌وسیله اجتماعات محلی در طول زمان شکل گرفته بود که مناسبات اجتماعی و اقتصادی براساس آن برقرار می‌شد و یک

هماهنگی افقی و عمودی بین فرایندهای اجتماعی و فرم‌های فضایی وجود داشت. این فضا به‌یکباره در طول این قرن تغییر کرد. تغییرات مذکور به‌صورت عمد ابتدا به‌وسیله دولت مدرن انجام می‌شد که سرعت تغییر فضا را افزایش می‌داد. اولین روندها در فرایندهای اجتماعی (تحول طبقات شهری) و فرم‌های فضایی (تغییر ساختار فضایی شهر) اتفاق افتاد که مهم‌ترین مرحله تولید فضای جدید شهری بود. با تغییر در فرایندهای اجتماعی و فرم‌های فضایی در شهرها، به‌تدریج سرمایه به‌سمت شهرها حرکت کرد. همچنین این تغییرات در شهر تهران و شهرهای بزرگ دیگر به‌تدریج سکونتگاه‌های کوچک‌تر را نیز ترغیب کرد به شکل شهر تهران توسعه پیدا کنند؛ شهرسازی هوسمانیسم تهران ابتدا به‌صورت الگوی فضایی در سراسر کشور گسترش یابد و در مرحله بعدی به شکل تغییرات اجتماعی در سبک زندگی و طبقات متحول‌شده شهری مانند غرب در سراسر کشور انتشار پیدا کند. در نتیجه فضای تولید شهر در تهران به‌صورت یک فضای شهری یکدست در کل کشور گسترش یافت. در نهایت نیز موجب تغییر کارکرد فضا از حالت مصرفی به مبادله‌ای در سراسر پهنه سرزمینی ایران و فضا به یک کالای ارزشمند تبدیل شد که ارزش آن بیشتر به‌خاطر ویژگی مبادله‌ای آن است. این تغییرات فضا خروجی‌هایی داشت که مهم‌ترین آن در دوره اول به‌خدمت‌گرفتن فضا به نفع دولت بود. در دوره بعدی تولید فضا علاوه بر دولت، در اختیار سرمایه نیز گذاشته شد. همچنین در دوره دوم، فضا در نتیجه تحولات اجتماعی و اقتصادی در طبقات شهری کاملاً سلسله‌مراتبی و قطبی شد. در دوره سوم، تولید فضا در اختیار سرمایه و شهرداری قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین نتایج فرایند تولید فضا در هر سه دوره، تبدیل فضای شهری انضمامی به انتزاعی بود.

### نتیجه‌گیری

فضای شهری در طول زمان در نتیجه روابط دیالکتیکی بین عناصر تشکیل‌دهنده آن تغییر و به‌سمت تکامل حرکت می‌کند، ولی مقیاس تغییرات خیلی زیاد نبود و هماهنگ با فضای تولیدشده قبلی بود. با ظهور دولت مدرن و مدرنیسم در ایران در آغاز سده قرن چهاردهم، تغییرات فضا به‌قدری زیاد بود که شهر نتوانست خود را با آن هماهنگ کند. در نتیجه از دل آن یک فضای جدید تولید شد که به اسلاف خود هیچ شباهتی نداشت. فضای جدید با پشتوانه نظری مدرنیته و تقلیدی از شهرسازی مدرنیستی هوسمانیسم تولید شده بود و از بارزترین ویژگی‌های این برنامه‌ریزی، فراموشی گذشته و در موارد زیادی نفی گذشته بود. بدین ترتیب این تحولات، نظام فضایی شهرهای ایران به‌ویژه شهر تهران دچار شکاف عظیم بین فضای گذشته، حال و آینده شد. فضای گذشته و زیست‌شده در تمایز و تقابل با فضای درحال ساخت و شکل‌گیری مدرنیته قرار گرفت. عناصر قدیم و جدید برای حضور در فضای شهری به‌دنبال حذف یکدیگر بودند. با توجه به دیدگاه هوسمانی در حاکمیت آن دوره به گذشت زمان، عناصر قدیم هم به‌صورت فیزیکی و هم به‌صورت عملکردی از فضای شهری حذف شدند و عناصر مدرن جایگزین آن‌ها شدند. شهر مدرن حاصل این تحولات شهری بود که به‌لحاظ فضایی و اجتماعی به پاره‌های مجزا (محل کار، استراحت، تفریح و غیره) تقسیم شد و فضاهای شهری مخلوق آن به‌لحاظ فیزیکی تمیز و از نظر اجتماعی و معنوی مرده و بی‌جان بودند. این همان شکاف ایجادشده‌ای بود که از دل عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی برخاسته بود و تعادل فضایی‌ای را که در شهرها در طول زمان شکل گرفته بود تخریب می‌کرد. شرایط تازه، فضای جدیدی با رنگ و بوی مدرنیستی برای مردم مدرن به‌وجود می‌آورد، اما مشکل آنجا بود که جامعه مدرنی که شبیه بورژوازی غربی باشد، هنوز شکل نگرفته بود.



شکل ۸. عوامل، روندها و نتایج تولید فضا در کلان‌شهر تهران

دولت وقت غافل از تحولات فرهنگی و اجتماعی، با اندیشه هوسمانیسم به کنترل فضا و هدایت سرمایه‌گذاری گسترده و بلندمدت به‌سوی محیط ساخته‌شده برای تولید صنعتی، مصرف جمعی، گردش کالا، حمل‌ونقل و ارتباطات محیط و فضای شهری جدیدی را خلق کرد که روایتگر شیوه تولید جدید یعنی سرمایه‌داری است. در این فضای شهری جدید، نقش نیروها و عناصر سنتی در تولید فضا حذف شد و بیشترین توجه به مدرنیته و عناصر مدرن بود. در نتیجه فضای شهری خلق‌شده برای جامعه سنتی به یک فضای بی‌روح تبدیل شد؛ در عوض یک فضای انتزاعی و قابل‌مبادله به‌وجود آمد. کل این فرایند در سه دوره اتفاق افتاده و در هر دوره تولید فضا، نقش نیروها و عوامل تأثیرگذار متفاوت بوده است. در دوره اول نقش دولت و در دوره آخر نقش سرمایه پرنسپال است. در واقع صاحب اصلی فضای تولیدشده در این صدسال اخیر، سرمایه است. به عبارتی می‌توان گفت در حال حاضر بورژوازی مستغلات حاکم اصلی فضای شهری تولید در شهر تهران است.



## منابع

- اباذری، یوسف‌علی و قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۱). فضای اجتماعی شهر کرمانشاه در دوره قاجار. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱(۱)، ۳۷-۹.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳). ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی. نامه علوم اجتماعی، ۱(۴)، ۷-۴۹.
- اعتماد، گیتی (۱۳۸۷). هویت بومی زنانه در فضای عمومی. جستارهای شهرسازی، ۲۵، ۷۰-۷۹.
- اقوامی‌مقدم، عارف (۱۳۷۸). شهر، شهرسازی و مدرنیسم در ایران (۱۲۹۹-۱۳۲۰ ه.ش). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- امیرضیائی، ایرج (۱۳۸۴). مدرنیته و مدرنیسم. فصلنامه فلسفی، عرفانی و ادبی اشراق، ۱(۲ و ۳)، ۱۹۲-۲۰۲.
- اهلرس، اکارت (۱۳۸۰). ایران (شهر-عشایر-روستا). ترجمه عباس سعیدی. تهران: منشی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۷). تاریخ ایران مدرن. ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران: نی.
- بحرینی، سید حسینی و حسینی وحدت، عبدالکریم (۱۳۹۳). شکل‌گیری و شکل‌دهی شهر در دو پارادایم مدرنیسم و پست‌مدرنیسم. مجله محیط‌شناسی، ۴۰(۳)، ۵۴۱-۵۵۸.
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۷۵). تحلیل فضاهای شهری. تهران: دانشگاه تهران.
- بحرینی، سیدحسین و امین زاده، بهناز (۱۳۸۵). طراحی شهری در ایران: نگرشی نو. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۲۶، ۱۳-۲۶.
- برمن، مارشال (۱۳۸۹). تجربه مدرنیته. ترجمه مراد فرهادپور. تهران: طرح نو.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸). سیراندیشه در شهرسازی. جلد سوم. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
- پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس (۱۳۸۹). ماهیت اجتماعی شهر اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۱(۲)، ۱۱-۱.
- پوراحمد، احمد و یزدانی، محمدحسن (۱۳۸۶). تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهر ایرانی-اسلامی، نمونه تبریز. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۲(۱)، ۲۹-۵۲.
- پوراحمد، احمد؛ زیاری، کرامت‌الله؛ حاتمی‌نژاد، حسین و رضایی‌نیا، حسن (۱۳۹۷). تحلیلی بر ماهیت فضای عمومی در پروژه‌های بزرگ‌مقیاس گردشگری شهری براساس نظریه تولید اجتماعی فضا (مطالعه موردی: شهر تهران)، گردشگری شهری، ۱۳۵-۱۵۹، (۲)۵.
- پوراحمد، احمد؛ فرجی، امین؛ منوچهری میاندوآب، ایوب و عظیمی، آزاده (۱۳۹۰). تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی-کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی (نمونه تهران). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۲(۶)، ۴۷-۶۱.
- پیران، پرویز (۱۳۷۶). شهر شهروندمدار. نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۲۶، ۴۶-۵۱.
- پیربابایی، محمدتقی و سجادزاده، حسن (۱۳۹۰). تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی. باغ نظر، ۱(۱۶)، ۱۷-۲۸.
- تحصیلدار، مهدی و فرناق، حبیب (۱۳۷۲). ضوابط و معیارهای تعیین محله شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.



- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۹۳). *محلّه اودلاجان (عودلاجان)*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۹۵). *محلّه کلیمیان*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۴). *شهر و مدرنیته*. تهران: فرهنگستان هنر.
- حبیبی، سید محسن و اهری، زهرا (۱۳۸۵). معماری و شهرسازی ایران در ۱۳۱۰-۱۳۲۰ هـ؛ اولین پژواک نوآوری و دومین پژواک نوگرایی الگوی تهران. *مجله صفا*، ۱۵ (۴۲)، ۴۰-۴۹.
- حبیبی، محسن و جابری، مرتضی هادی (۱۳۸۶). در جستجوی اصول حاکم بر نوپردازی شهری. *مجله صفا*، ۴۱، ۶۶-۸۰.
- حبیبی، سیدحسن (۱۳۸۴). *از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر*. تهران: دانشگاه تهران.
- حقیقت نائینی، غلامرضا؛ شیخی، محمد و محمودی مهماندوست، مرتضی (۱۳۹۸). بازخوانی مفهوم سکونت در محلات تهران در دوره قاجار و پهلوی، مبتنی بر بررسی تفسیری تاریخ نوشته‌های فرهنگی و اجتماعی. *فصلنامه جغرافیا*، ۱۷ (۶۱)، ۵۴-۷۰.
- خلیلی عراقی، سید منصور (۱۳۶۶). *شناخت عوامل مؤثر در گسترش بی‌رویه تهران*. تهران: دانشگاه تهران.
- خلیلی خو، محمدرضا (۱۳۷۳). *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶). *شهرهای ایران*. ترجمه حسین حاتم‌نژاد و عزت‌الله مافی، تهران: نیکا.
- دهاقانی مشهدیزاده، ناصر (۱۳۸۵). *تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران*. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- رشیدی، طلا و ملک حسینی، عباس (۱۳۹۳). مدرنیته و تأثیر آن بر هویت‌یابی زنان در فضاهای عمومی شهری، (مورد مطالعه: پارک ائل گلی تبریز). *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۲ (۳)، ۳۴۳-۳۷۰.
- رمضان جماعت، مینا و اکبری، زینب (۱۳۹۲). تحولات بافتی تهران در دوره قاجار تغییرات ایجادشده در نحوه قرارگیری خانه نسبت به معابر شهری. *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۵ (۱)، ۱۷۵-۲۰۲.
- رهنمایی، محمدتقی؛ فرهودی، رحمت‌الله؛ قالیباف، محمدباقر و هادیپور، حلیمه خاتون (۱۳۸۶). سیر تحول ساختاری و عملکردی محلّه در شهرهای ایران. *نشریه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران*، ۵ (۱۲)، ۱۹-۴۲.
- زندی، میترا و اشرفیان، سیمین (۱۳۶۴). سیر تحول مفهوم محلّه در تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی*. دانشکده‌های هنرهای زیبا. دانشگاه تهران.
- زهیری، علیرضا (۱۳۸۱). *انقلاب اسلامی و هویت ملی*. تهران: انجمن معارف.
- زیاری، رضا؛ زیاری، کرامت‌اله؛ زیاری، سمیه و عبدلی، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی تکوین و گسترش مکتب اصفهان و سبک تهران در فضای شهری. *فصلنامه نقش جهان*، ۴ (۱)، ۳۷-۴۵.
- زیاری، کرامت‌اله و یوسفی، علی (۱۳۸۲). توسعه کالبدی تهران در فرایند مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن. *مجله مدرس*، ۲ (۲)، ۲۵-۴۰.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۲). *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی*. تهران: آبی.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵). نقدی بر مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. *مجله کیهان فرهنگی*، ۳۵، ۱-۲۴.
- شکویی، حسین (۱۳۸۵). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. تهران: سمت.

- شهری، جعفر (۱۳۶۷). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- طیبیان، منوچهر؛ چریگو، نصیبه و عبدالهی مهر، انسیه (۱۳۹۰). بازتاب اصل سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی-اسلامی. فصلنامه آرمانشهر، ۴(۷)، ۶۳-۷۶.
- عزتی، مهسا؛ قلی‌پور، سیاوش و مرادخانی، همایون (۱۳۹۹). تولید اجتماعی فضای شهری، (مورد مطالعه: پارک نوبهار کرمانشاه). فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۳(۱)، ۱۳۱-۱۶۱.
- غروی الخوانساری، مریم (۱۳۹۶). از محله سنتی تا محله معاصر، کندوکاوی در راهکارهای احیای هویت محلی در شهر امروز. معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۱۰(۲۱)، ۶۱-۷۶.
- فنی، زهره و محمود، لقمان (۱۳۹۷). تولید فضای شهری در گفتمان سه‌گانه لوفور و پارادایم شهریت مامفورد. مجله رشد آموزش جغرافیا، ۳۲(۳)، ۳۶-۴۶.
- کلانتری خلیل‌آباد، حسین؛ صالحی، سیداحمد و رستمی، قهرمان (۱۳۸۹). نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی (مطالعه موردی شهر اصفهان). مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۱(۱)، ۳۳-۴۳.
- لطفی، سهند و شعله، مهسا (۱۳۸۷). محله خانی‌آباد (زادگاه جهان‌پهلوان تختی). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- لطفی، سهند (۱۳۸۶). محله امامزاده قاسم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱). تهران، ظهور یک کلان‌شهر، تهران: شرکت پردازش.
- مرتضی، هشام (۱۳۸۹). معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی. ترجمه هانیه اخوت، نینا الماسی‌فر و محمدرضا بمانیان. تهران: هله.
- منوچهری میان‌دوب ایوب و رهنمایی، محمدتقی (۱۳۹۸). تحلیلی بر فرایند تولید فضای سرمایه‌داری دولتی در ایران (مورد مطالعه: شهر تهران). برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۳(۱)، ۸۵-۱۱۶.
- میرمقتدائی، مهتا (۱۳۸۴). تدوین معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها (نمونه موردی: تهران). رساله دکتری شهرسازی. دانشکده هنرهای زیبا. دانشگاه تهران.
- ناصریخت، محمدحسین (۱۳۹۶). محله سنگلج. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۸). رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی. مجله هنرهای زیبا، ۷، ۷۹-۹۱.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۷). اقتصاد سیاسی ایران. تهران: مرکز.

Abazari, Y. A., & Gholipour, S. (2012). Social Space of Kermanshah during the Qajar Period. Anthropological Research of Iran, 2(1), 9-37. (In Persian)

Abrahamian, Y. (2018). History of Modern Iran. Translated by Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Ney Publications (In Persian)

AmirZiaei, I. (2005). Modernity and Modernism, Philosophical, Mystical and Literary. Journal of Ishraq, 1(2 & 3), 192-202. (In Persian)

Ashraf, A. (1974). Historical Features of Urbanization in Iran Islamic Period. Journal of Social Sciences Letter, 1(4), 7-49. (In Persian)

Bahraini, H. (1996). Analysis of Urban Spaces. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)

- Bahraini, H., & Aminzadeh, B. (2006). Urban Design in Iran: A New Perspective. *Journal of Fine Arts - Architecture and Urban Planning*, 26, 13–26. (In Persian)
- Bahraini, H., & Hosseini Vahdat, A. (2014). The Formation and Shaping of the City in Two Paradigms of Modernism and Postmodernism. *Journal of Environmental Studies*, 40(3), 541–558. (In Persian)
- Berman, M. (2010). *The Experience of Modernity*. Translated by Morad Farhadpour, Tehran: Tarh-e No. (In Persian)
- Brenner, N. (2000). The Urban Question as a Scale Question: Reflections on Henri Lefebvre, Urban Theory and the Politics of Scale. *International Journal of Urban and Regional Research*, 24(2), 361e378.
- Burchkhradt, T. (1992). *Fez: City of Islam*. Cambridge: The Islamic Texts Society
- Cash, D., Adger, W., Berkes, F., Garden, P., Lebel, L., & Olsson, P. (2006). Scale and Cross-Scale Dynamics: Governance and Information in a Multilevel World. *Ecology and Society*, 11(2), 8.
- Castells, M. (1977). *The Urban Question*. Cambridge: The MIT Press.
- Dehaghani Mashhadizadeh, N. (2006). *An Analysis of the Characteristics of Urban Planning in Iran*. Tehran: University of Science and Technology. (In Persian)
- Eghvami, M. A. (1999). *City, Urban Planning and Modernism in Iran (1320-1299 AH)*. Master Thesis. Faculty of Fine Arts. University of Tehran. (In Persian)
- Ehlers, E. (2001). *Iran (City-Nomads-Village)*, Translated by Abbas Saeedi, Tehran: Monshi. (In Persian)
- Etemad, G. (2008). Female Identification in Public Space. *Journal of Urban Planning Researches*, 25, 70–79. (In Persian)
- Foucault, M. (1977). *Discipline and Punishment*. London: Tavistock.
- Foucault, M. (1980). *Power/Knowledge*. Brighton: Harvester.
- Foucault, M. (1986). Of Other Spaces. *Diacritics*, 16(1), 22e27.
- Goonewardena, K., Kipfer, S., Milgrom, R., & Schmid, K., (2008). *Space, Difference, Everyday Life (Reading Henri Lefebvre)*. New York and London: Routledge
- Gregory, D., Johnson, R., Pratt, G., Watts, M., & Whatmore, S. (2009). *The Dictionary of Human Geography (5<sup>th</sup> Ed.)*. Oxford: Blackwell.
- Habibi, M., & Jaberi, Moghadam, M. H. (2007). In Search of the Principles of Urban Renovation. *Journal of Sefeh*, 41, 66-80. (In Persian)
- Habibi, S. H. (2005). *De la Cite a la Ville, a historical analysis of the concept of the city and its physical appearance, thinking and impact*, University of Tehran Press. Tehran. (In Persian)
- Habibi, S. M., & Ahari, Z. (2006). Architecture and Urban Planning of Iran in 1310-1320 AH, The First Reflection of Innovation and the Second Echo of Modernity Tehran Model. *Journal of Sefeh*, 15(42), 40–49. (In Persian)
- Haghighat Naeini, G., Sheikhi, M., & Mahmoudi Mehmandoust, M. (2019). Re-reading the Concept of Living in the Neighborhoods of Tehran in the Qajar and Pahlavi Periods, Based on an Interpretive Study of the History of Cultural and Social Writings. *Journal of Geography*, 17(61), 53–70. (In Persian)
- Harvey, A. (1990a). *The Econometric Analysis of Economic Time Series (2<sup>nd</sup> Ed.)*. Cambridge: MIT Press.
- Harvey, D. (1973). *Social Justice and the City*. Oxford: Blackwell.
- Harvey, D. (1982). *The Limits to Capital*. Oxford: Blackwell.
- Harvey, D. (2000). *Space of Hope*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

- Harvey, D. (2003). *Paris, Capital of Modernity*. New York: Routledge.
- Harvey, D., 1990b. *The Condition of Postmodernity-an Enquiry into the Origins of Cultural Change*. Oxford: Blackwell.
- Hough, M. (1989). *City from and Natural Process*. Routledge: London and New York.
- Huang, Z. (2004). The production of urban space in globalizing Shanghai. *Taiwan Social Research Quarterly*, 53, 61e83. (In Chinese)
- Jaberi Moghadam, M. H. (2005). *City and Modernity*. Tehran: Academy of Arts. (In Persian)
- Khairabadi, M. (1997). *Cities of Iran*, translated by Hossein Hataminejad and Ezatollah Mafi. Tehran: Nika. (In Persian)
- Khalili Iraqi, S. M. (1987). *Recognizing the Effective Factors in the Uncontrolled Expansion of Tehran*. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Khalili Kho, M. R. (1994). *Development and Modernization of Iran in the Period of Reza Shah*. Tehran: Jihad Daneshgahi. (In Persian)
- Klink, J. (2013). Development Regimes, Scales and State Spatial Restructuring: Change and Continuity in the Production of Urban Space in Metropolitan Rio de Janeiro. *International Journal of Urban and Regional Research*, 37(4), 1168–1187.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*. Oxford: Blackwell.
- Li, Z., Li, X., & Wang, L. (2014). Speculative Urbanism and the Making of University Towns in China: A Case of Guangzhou University Town. *Habitat International*, 44, 422e431.
- McGee, T. G. (2009). Interrogating the Production of Urban Space in China and Vietnam under Market Socialism. *Asia Pacific Viewpoint*, 50(2), 228–246.
- Mehta, V. (2014). Evaluating Public Space. *Journal of Urban Design*, 19(1), 53–88.
- Pakzad, J. (2009). *The Thought of Urbanism (Vol. 3)*. Tehran: New Cities Development Company. (In Persian)
- Piran, P. (1997). City Based on Citizenship. *Journal of Political-Economic Information*, 126, 46–51. (In Persian)
- Pirbabaie, M. T., & Sajjadzadeh, H. (2011). Collective Belonging to the Place, the Realization of Social Housing in the Traditional Neighborhood. *Journal of Bagh-e Nazar*, 8(16), 17–28. (In Persian)
- Poorahmad, A., & Mousavi, S. (2010). The Social Nature of the Islamic City. *Journal of Iranian Islamic City Studies*, 1(2), 1–11. (In Persian)
- Poorahmad, A., Faraji, A., Manouchehri Miandoab, A., & Azimi, A. (2011). The Impact of Modernism on the Spatial-Physical Development of Iranian-Islamic Cities, Case Study: Tehran. *Journal of Iranian-Islamic City Studies*, 2(6), 47–61. (In Persian)
- Poorahmad, A., Ziari, K., Hataminejad, H., & Rezaeinia, H. (2015). An Analysis of the Nature of Public Space in Large-Scale Urban Tourism Projects Based on the Theory of Social Production of Space, Case Study: Tehran. *Journal of Urban Tourism*, 5(2), 135–159. (In Persian)
- Pourahmad, A., & Yazdani, M. H. (2007). The Impact of Modernism on the Physical Developments of the Iranian-Islamic City, Case study: Tabriz. *Journal of Geographical Research*, 22(1), 29–52. (In Persian)
- Purcell, M. (1997). Ruling Los Angeles: Neighborhood Movements, Urban Regimes, and the Production of Space in Southern California. *Urban Geogra*, 18(8), 684–704.
- Raco, M., & Gilliam, K. (2012). Geographies of Abstraction, Urban Entrepreneurialism, and the Production of New Cultural Spaces: The West Kowloon Cultural District. *Hong Kong Environmental Planning*, A44(2012), 1425–1442.

- Rahnamaei, M. T., Farhoudi, R., Galibaf, M. B., & Hadipour, H. K. (2007). The Structural and Functional Transformation of Neighborhoods in Iranian Cities. *Journal of Geography*, 5(12), 19–42. (In Persian)
- Ramazan Jamaat, M., & Akbari, Z. (2013). Tehran Textural Developments in the Qajar Period Changes in the Location of the House in Relation to Urban Passages. *Journal of Historical Sociology*, 5(1), 202–175. (In Persian)
- Rashidi, T., & Malek Hosseini, A. (2014). Modernity and Its Effect on Women's Identity in Urban Public Spaces, Case Study: Tabriz's Ail Goli Park. *Journal of Geographical Research of Urban Planning*, 2(3), 343–370. (In Persian)
- Rick, A. (1997). What Space Makes of Us: Thirdspace, Identity Politics, and Multiculturalism, UCLA, American Educational Research Association Conference, Chicago, IL (ERIC 409 409).
- Shen, J. (2005). Space, Scale and the State: Reorganizing Urban Space in China. In L. Ma, & F. Wu (Eds.), *Restructuring the Chinese City: Changing Society, Economy and Space* (pp. 39e58). London and New York: Routledge.
- Shokouei, H. (2006). *New Perspectives on Urban Geography*. Tehran: Samat. (In Persian)
- Skordoulis, D. (2008). Space Conceptualization in the context of Postmodernity: Theorizing Spatial Representations. *The International Journal of Interdisciplinary Social Sciences*, Retrieved from <http://www.SocialSciences-Journal.com>.
- Soja, E. (1989). *Postmodern Geographies: The Reassertion of Space in Critical Social Theory*. London: Verso.
- Sultanzadeh, H. (1984). *Introduction to the History of the City and Urbanization*. Tehran: Abi. (In Persian)
- Sultanzadeh, H. (1986). A Critique of the Introduction to the History of the City and Urbanization in Iran. *Journal of Kayhan Farhangi*, 35, 1–24. (In Persian)
- Tahsildar, M., & Farnagh, H. (1993). *Criteria and Measures for Determining an Urban Neighborhood*. Master Thesis in Urban Planning. Faculty of Fine Arts. University of Tehran. (In Persian)
- Takmil Homayoun, N. (2014). *Odlajan Neighborhood*. Tehran: Cultural Research Office. (In Persian)
- Takmil Homayoun, N. (2016). *Kalimis Neighborhood*. Tehran: Cultural Research Office. (In Persian)
- Ye, C., Chen, M., Chen, R., & Guo, Z. (2014). Multi-Scalar Separations: Land Use and Production of Space in Xianlin, a University Town in Nanjing, China. *Habitat International*, 42(2), 264e272.
- Ye, C., Chen, M., Duon, J., & Yang, D. (2014). Uneven Development, Urbanization and Production of Space in the Middle-Scale Region Based on the Case of Jiangsu Province, China. *Habitat International*, 66(2017), 106e116
- Zandi, M., & Ashrafian, S., (1985). *The Evolution of the Concept of Neighborhood in Tehran*. Master Thesis in Urban Planning. Faculty of Fine Arts. University of Tehran. (In Persian)
- Ziari, K., & Yousefi, A. (2003). Tehran's Physical Development in the Process of Modernism, Postmodernism and Globalization. *Journal of Modares*, 7(2), 20–45. (In Persian)
- Ziari, R., Ziari, K., Ziari, S., & Abdoli, M. R. (2014). A Comparative Study of the Development and Expansion of Isfahan School and Tehran Style in Urban Space. *Journal of Naghsh Jahan*, 4(1), 37–45. (In Persian)
- Zieleniec, A. (2007). *Space and Social Theory*. New York: Sage.
- Zuhairi, A. (2002). *Islamic Revolution and National Identity*. Tehran: Education Association. (In Persian)